



ارتباط با خدا

(۱)



نام کتاب ... ارتباط با خدا

مترجم ... استاد احسان زاهری

ناشر ... نشر الطیار

حروفچین و صفحه‌آرا ... امیرحسین زاهری

نوبت و تاریخ چاپ ... اول، بهار ۱۳۸۵

تیراژ ... ۵۰۰۰

قیمت ... ۵۰۰ تومان

قطع ... جیبی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۵۳-۶۰-۲

«مرکز پخش: قم- تلفن: ۶۶۰۶۶۷۴، ۶۶۰۶۸۴۴ (۰۲۵۱)»

«همراه: ۰۹۱۱۲۵۲۱۵۲۸»

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

(۲)

فهرست مطالب

وقف نامه ...

دعای کمیل ...

دعای ندیه ...

زیارت عاشورا ...

دعای علقمه ...

دعای توسل ...

دعای سمات ...

حدیث کساء ...

(۳)



«وقف نامه»

این يك جلد نجوای عارفانه بانضمام..... جلد دیگر جهت استفاده مؤمنین وقف و ثواب قرائت آن تقدیم به روح پاک مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام و شهداء و همه مؤمنین و اموات قاری و شادی روح مرحوم..... اهداء می‌گردد.

واقف: ...

جهت وقف: ...

تاریخ وقف: ...

(۴)

--	--	--	--

طلوع سخن:

نیایش و مناجات: ارتباط و صحبت کردن مخلوق با خالق، عبد با مولی، عاشق با معشوق را گویند. حضرت خضر این مناجات را با خدای خویش داشته است و سپس برای حضرت علی علیه‌السلام خوانده و حضرت به کمیل بن زیاد نخعی که از اصحاب خاصش بوده، آموزش داده است.

آری؛ عارفان طریق حق برای نجوای با معشوق خویش در لحظات و ساعات و مکان‌های مختلف، سخن‌ها و صحبت‌های متفاوتی را به تناسب موقعیت‌ها با مولای خود دارند. و از این ارتباط لذتی می‌برند، که عاشقان جلوه‌های زیبای دنیا هرگز آن طعم عشق بازی را نمی‌چشند،

لذا آن عاشقی که اشک چشمش بر گونه سردش چون مروارید غلطان است، آن عشقی که از معشوق خویش می‌برد. يك عاشق در سرای

(۵)

--	--	--	--

دنیای فانی آن محبت را درک نکرده و آن لذت را نمی‌چشد. «الهِی اَذِقْنی حَلَاوَةَ دُرِّكَ؛ خدایا شیرینی یادت را به من بچشان».

خدایا! مرا در مناجات با خودت موفق فرما، تا در بزم تو جامی بنوشم، که مستی عشقم در سرای تو، ابدیت در محضرت را آنچنان نصیبم نماید، تا در این درگاه ماندگار شوم و همه جام‌ها را در محفل‌های غیر تو بشکنم. و نگاه و دلم متوجه دست تو باشد. و فقط جام عشق را از دست رعناي تو برگیرم،

که «يُدُلُّهُ فَوْقَ اَبْدِيهِمْ؛ زیرا اگر دست تو بالاترین دست‌هاست، پس جام لبریز شراب تو از همه آن چه قابل تصور است، سیراب‌کننده‌تر و دلنواز و شاداب‌تر است.

حال آن شراب نابت مرا مست تو خواهد کرد. که دیگر به هیچ میخانه‌ای متوجه نخواهم شد و فقط در انتظار شراب نابت تو خواهم بود.

(۶)

--	--	--	--

ای مولی و آقا و مربی و مالک و حاکم من! دست مرا بگیر و نگذار

که شیاطین مست از درون و برون مرا با شراب‌های رنگارنگ خود گول بزنند و دام‌های مختلف آن، صیادان از تو بی‌خبر مرا در دام خود قرار دهند و قربانی اهداف شوم و پلید خویش نمایند و یا بال و پر آزادیم را بشکنند. و یا شکم گرسنه خویش را با طعمه من سیر کنند.

بارها! حال که مرا آفریدی، نگذار در مسیر زندگی چند روزه دنیا، دچار آفت‌های روحی و جسمی شوم و خود را نابود و ضایع گردانم.

خدا یا یک باغبان به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شود. یکی از نهالهای باغستان او شکسته شده و از سرزمین بستانش محو گردد.

معبودا! نگذار که من از گلستان هستی تو پژمرده و خارج و شکسته گردم، زیرا اگر چنین گردد، دیگر نجات و عروج و شکوفائی در من ضعیف بیچاره مسکین یافت نخواهد شد و اگر چنین گردد، بزرگترین

(۷)

بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم
------------------------	------------------------	------------------------

مصیبت برایم پیش آمده و مرا از تو جدا و در جمع دشمنانت قرار داده، که این سقوطی ابدی است.

خدایا! نجاتم، نجاتم، نجاتم بده. و با قرآن و انبیاء و ائمه علیهم السلام و شهدا و صالحین و صادقین در دنیا و آخرت محشورم گردان و در جوار رحمت خویش جایم بده.

حال کمیل را بخوان، آن مناجاتِ عارفِ عارفان، زاهد زاهدان، آگاهترین دانایان، که در نجوای خویش آن چنان زمزمه نموده، که گویا هنوز صدای مناجات او از نخلستانهای مدینه، از فضای آرام شب کوفه، از باغستانهای آرام بصره و از خانه محقر کنار مسجد کوفه، از محراب خونین مسجد کوفه شنیده می‌شود. گویا، این صدای عارفانه و مظلومانه و عالمانه در طول تاریخ کنار گوش دلهای شیعیان عاشق طنین انداز است.

(۸)

بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم
------------------------	------------------------	------------------------

حال؛ ای جوانان و مردم مسلمان و عاشق! بیاییم، تا آن آوای ملکوتی

الهی و جبروتی عارفانه را در فضایی لبریز از ایمان و آرامش معنوی و با دلی خالی از غیر خدا و مملو از ارتباط و عشق و محبت او سر دهیم. تا نفوس و ارواح را از خانه عشق به پرواز در آورده و در محضر معبود خویش فرود آوریم، آنگاه فیض و رحمت از جوارش کسب نماییم. تا مشمول عنایات ربانی و تفضلات سبحانی او گردیم و در جوار او از فیض و رحمت بی کرانش بهره‌مند گردیم.

در اینجا از محضر همه نجوی‌گران عاشق که در محضر معشوق دلباخته‌اند، التماس دعا داریم، تا خداوند ما را در همه موارد موفق نماید.

این ترجمه تقدیم به روح چهارده معصوم: و شهدا و امام خمینی و همه مؤمنین و شادی روح پدر بزرگوارم مرحوم حاج احمد زاهری.

«احسان زاهری»

(۹)

بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم	بسم الله الرحمن الرحیم
------------------------	------------------------	------------------------

«مناجات»

ای عفو تو شامل گناهان

کوی تو پناه بی پناهان

ای راز دل شکسته من
ای یار و رفیق در نهانم
آب و گل من ز تست گلشن
محروم نکرده دردمندی
بازست درت بر آزمندان
یا گوش بر این مقال ما کرد
مطرود درت نشد گدائی
دورم منما ز خویش یکدم
چون شمع به درگهت بسوزم

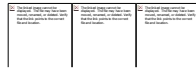
ای مرهم قلب خسته من
ای مونس من انیس جانم
ای راه مرا چراغ روشن
بر خسته دلان شفای دردی
ای عشق دل نیازمندان
جز تو که نظر به حال ما کرد
ای یاور من به بینوائی
امید منی به هر دو عالم
بنگر ز گنه چه تیره روزم

باشد که نظر کنی به عالم
یادی ز غریب بی نوا کن
مسکین به در تو درمندااست

بخشی به عنایتت کمالم
از لطف تو درد من دوا کن
دل خسته و زار و مستمندااست

(حسین انصاریان)

(۱۰)



استغاثه

من که سر تا پا گناهام یا غیاث المستغیثین
بر قبول عذر تقصیرم اگر خواهی گواهی
من ضعیفم من ذلیم مستکینم مستجیرم
بندهام منت پذیرم منتی بگذار و بگذر
سد عصیان راه امید مرا می‌بندد اما
یوسف روحم گرفتار است در چاه معاصی
از خجالت چون بر آرم سر به سوی آسمانت

از حضورت عذر خواهم، یا غیاث المستغیثین
اشک و آه من گواهم یاغیاث المستغیثین
روسیاهم بی پناهم یاغیاث المستغیثین
از من و جرم و گناهام یاغیاث المستغیثین
میده عفو تو راهم یاغیاث المستغیثین
خود برون آور ز چاهم یاغیاث المستغیثین
شرم ریزد از نگاهم یاغیاث المستغیثین

(سید رضا مؤید خراسانی)

(۱۱)

(۱۲)



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
از شرارت‌های شیطان و سوسنگر به خدا پناه می‌برم.
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خدایا! بر محمد و اهل بیت او درود بفرست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ،

خدایا! از تو می‌خواهم به حق رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است.

و بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ خَضَعَ لَهَا كُلُّ

بارها! بحق قدرتت که همه موجودات را زیر چتر حکومتت قرار دادی و همه چیزها در مقابل

شئیء، وَ ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بَجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا

قدرتت خاضع و ذلیل و کوچک هستند. خدایا! به حق بزرگیت، که بر هر چیزی مسلط گشته‌ای.

كُلِّ شَيْءٍ، وَ بَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يُقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَ بِعَظَمَتِكَ

خدایا! به عزتت که چیزی در مقابل آن قیام نمی‌کند. (همه در محضرش متواضعند) و به بزرگیت

الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ،

که همه چیز را فرا گرفته است. خدایا! به سلطنتت که بر هر چیزی برتری دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---	---	---

وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي

و به حق رویت (و جمال و آبروی و ابدیت) که بعد از نیستی هر چیزی باقی است. و به حق نام‌هایت

مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ

که پایه‌های هر چیزی (همه هستی) را فرا گرفته است. خدایا! به علمت که به هر چیزی احاطه دارد.

شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا

پروردگارا! به نور جمالت، که همه چیز برای او روشن است، ای نور (نظام وجود) ای پاک و منزّه

قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

(از تمام عیوب) ای ابتدای همه اول‌ها و ای پایان همه آخرها. خدایا! گناهای که

الدُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي

پرده پاک‌ی را می‌برد، برایم بیامرز. معبودا! گناهای که موجب نزول عذاب می‌شود،

تُنزِلُ النَّعْمَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اَللَّهُمَّ

برایم ببخش. خدایا! گناهای که نعمت‌ها را تغییر می‌دهد، برایم بیامرز. پروردگارا!

اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

گناهای که نیایش را از محضر تو می‌پوشاند، بر من ببخش. خدایا! گناهای را

الدُّنُوبَ الَّتِي تُنزِلُ الْبَلَاءَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَدْنَبْتُهُ،

که موجب نازل شدن بلاها می‌گردد، برایم بیامرز. معبودا! همه گناهان و خطاهایی که مرتکب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---	---	---

وَ كُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ،

شده‌ام، بر من ببخش. بار الها! به واسطه یادت به تو نزدیک می‌شوم،

وَ اَسْتَسْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَ اَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ

بوسیله تو به محضرت درخواست شفاعت می‌نمایم. به بخششت قسم،

تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَ أَنْ تُلْهِمَنِي

از تو می‌خواهم مرا به حضور خود نزدیک نمایی و سپاسگزاری از محضرت را به من لقا کنی و

ذِكْرَكَ، اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ،

یادت را به من الهام نمائی. خدایا! از روی تواضع و کوچکی و فروتنی از تو می‌خواهم، **أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا** که با من مسامحه نمایی و رحم کنی (از خطاها دقیق چشم پوشی نمائی). و مرا نسبت به تقسیم روزیت،

قَانِعًا، وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ

در تمام احوال، راضی و قانع و در تمام حالات مرا فروتن قرار بده. خدایا! از تو می‌خواهم،

سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ

مثل خواستن کسی که نیازش شدید است و زمان سختی حاجتش نزد تو آمده است

حَاجَتَهُ، وَ عَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ،

و اشتیاقش در آن چه نزد توست، بزرگ می‌باشد. خدایا! حکومت تو بزرگ است

(۱۵)



وَ عَلَا مَكَانُكَ، وَ خَفِيَ مَكْرُوكُكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَ غَلَبَ

و مقام تو دارای علو و برتری است، حیلۀ تو در خفاست و عمل تو ظاهر است و تواناییت

قَهْرُكَ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ

بر همه چیز مسلط است و قدرتت در همه نظام هستی جاری است. و فرار از حاکمیت تو

حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا، وَ لَا لِقَبَائِحِي

امکان ندارد. خدایا! برای گناهانم آمرزنده‌ای. و برای زشتی‌هایم پوشاننده‌ای،

سَاتِرًا، وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا

جز تو نمی‌یابم، خدایا غیر از تو کسی نیست، که چیزی از بدی‌های مرا تبدیل به

غَيْرِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي،

خوبی کند. خدائی جز تو نیست، تو منزهی و به ستایش تو (قسم یاد می‌کنم) به خودم ظلم کردم **وَ تَجَرَّاتُ بَجْهَلِي، وَ سَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي،** و بواسطه نادانیم بر گناهان جرات نمودم و بواسطه این که تو مرا از روز اول یاد کردی و بر من نعمت **وَ مَنَّكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَ كَمْ**

مِن

دادی، آرامش یافتم. خدایا! مولای من! چقدر از زشتی‌های مرا که پوشاندی و چه مقدار

فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتُهُ، وَ كَمْ مِنْ عِتَارٍ وَقَيْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ

از سنگینی بلاها را که کاهش دادی و چقدر از لغزش‌هایی که مرا از آن‌ها حفظ نمودی، چقدر از

(۱۶)



مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ تَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتَهُ،

ناراحتی‌هایی را دفع نمودی و چه ستایش‌های زیبایی که اهل آن نبودم، منتشر نمودی.

اَللّٰهُمَّ عَظَمَ بِلَانِي، وَ اَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي، وَ قَصُرَتْ بِي

خدایا! مصیبت‌های من بزرگ است و بدی حالم مرا به بلند پروازی در حضورت کشانده و اعمال کم

اعمالی، وَ قَعَدَتْ بِي اَغْلَالِي، وَ حَبَسَنِي عَن نُّفْعِي بُعْدُ

است و زنجیرهای بردگی مرا زمین گیر نموده و آرزوهای دراز و طولانی مرا از منافع خود زندانی و

اَمَلِي، وَ خَدَعَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَ

بی‌بهره نموده و دنیا با حيله‌هایش و نفس و جانم با جنایات و جرم‌هایش و سهل انگاریم، مرا گول می‌مالی، یا سیدی فَاَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لَا يَحْبُبَ عَذَابَكَ زده به دام دنیا گرفتارم نموده است. ای سرورم! به عزتت قسم از تو می‌خواهم، بدی رفتار و اعمالم،

دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَ فِعَالِي، وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا

مناجات و نیایشم را از محضرت پنهان نکند. خدایا! با آن چه از اسرارم تو

اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا

می‌دانی و مخفی است، آبرویم را مریز و رسوایم مکنم. بارالها! به خاطر کارهای بدی که

عَمَلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ اِسَانَتِي وَ دَوَامِ

در پنهان انجام داده‌ام، از قبیل کارهای ناشایسته‌ام و بدیهایم و استمرار

(۱۷)

--	--	--

تَقْرِيْبِي وَ جَهَالَتِي، وَ كَثْرَةَ شَهْوَاتِي وَ غَفْلَتِي، وَ كُنْ اَللّٰهُمَّ

کوتاهی‌ام و نادانی و زیادی خواهش‌های نفسانیم و غفلت‌هایم، برای عذابم عجله نما. پروردگارا!

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ رَوْفًا، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ

خدایا، به عزتت قسم در تمام حالات، به من مهربانی کن و در تمام کارها از روی

عَطُوفًا، اِلٰهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، اَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي

عاطفه و محبت با من برخورد نما. ای پرورش دهنده‌ام! غیر از تو چه کسی است، تا حل مشکلاتم را و وَ النَّظَرَ فِي اَمْرِي، اِلٰهِي وَ مَوْلَايَ اَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا

نظر لطف نمودن در کارهایم را از او درخواست نمایم؟ ای خدای من و ای سرورم! حکم پیروی از اَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوِي نَفْسِي، وَ لَمْ اَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ هَوَايَ نَفْسِي را بر من جاری نمودی و خود را از فریب کاری دشمنم حفظ نمودم، پس او هم مرا عَدُوِّي، فَعَرَّنِي بِمَا اَهْوَى وَ اَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، طبق خواسته خود گول زد و تقییر و قانون حاکم بر نظام هستی او را در این طریق کمک کرد. فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، از پیروی هوی نفس که بر سرم آمد، از بعضی حدود و احکامات تجاوز نمودم

وَ خَالَفْتُ بَعْضَ اَوْامِرِكَ، فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ

و با دستوراتت مخالفت نمودم. پس سپاس برای تو در تمام آن موارد بر من است

(۱۸)

--	--	--

ذَلِكَ، وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ، وَ

و در آن چه قضاوتت بر من جاری شده و حکم و بلائی تو همراه من گشته است، دلیلی ندارم.

أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ، وَ قَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ

(یعنی حجت از جانب تو تمام بوده است، و من عذری ندارم). خدایا! بعد از کوتاهی و

تقصیری و اِسْرَافِی عَلَی نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا

اسراف بر خویشتن خویش، در حال عذر خواهی، پشیمانی، شکست و ناتوانی، دست برداشتن از

مُسْتَقْبَلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقْرًا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أُجِدُّ

آنچه بودم، طلب مغفرت، بازگشت از روی اقرار، خواری و اعتراف به گناهان به محضر تو روی

مَقْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَ لَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ

آورده‌ام. خدایا! راه فراری از آن چه بودم برای خود نمی‌یابم، و پناهگاهی پیدا نمی‌کنم، تا در

قَبُولِكَ عُذْرِي، وَ إِدْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اَللَّهُمَّ

کارهایم به آن روی آورم، جز این که عذرم را قبول نمائی. خدایا! مرا در رحمت و سبوع خودت وارد نما.

فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَ فَكِّنِي مِنْ شِدَّةِ وَ تَأْقِي

بارها! عذرم را قبول کن و در سختیها به من رحم نما و مرا از سختی گناهانم و اعتماد بر نفسم آزاد نما.

يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَ رِقَّةَ جِلْدِي، وَ دِقَّةَ عَظْمِي،

پروردگارا! به بدن ضعیف من و پوست نازکم و استخوان باریکم رحم کن.

(۱۹)

وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ	وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ	وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ
--------------------------------------	--------------------------------------	--------------------------------------

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي، وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَعْذِيَّتِي،

ای کسی که آفرینشم و یادم و تربیتم و خوبیم و تغذیه‌ام را آغاز نمودی،

هَبْنِي لِإِبْتِدَاءِ كَرَمِكَ، وَ سَالِفِ بَرَكَاتِي، يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي

اینک به واسطه کرامتت و خوبیت و سابقه نیکیت مرا ببخش. ای خدای من و ای سرورم و

وَ رَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَ بَعْدَ مَا

ای پروردگارم! بعد از اعتراف به وحدانیت و بعد از این که دلم

أَنْطَوِي عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ

ه شناختت تو پیچیده شده است و زبانم به یاد تو سخن می‌گوید

ذِكْرِكَ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَ بَعْدَ صِدْقِ

و باطنم به دوستی تو اعتقاد دارد، و بعد از درستی اعترافم و راستی خواندنم از روی تواضع

اعترافی و دُعائی خاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ

در محضر تربیتی و پرورشیت، آیا نظرت عذاب کردن من با آشت می‌باشد؟ از محضر تو دور است

مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُسَرِّدَ مَنْ

تو بزرگوارتر از آن هستی، که فرد تربیت نموده خود را از میان ببری، نزدیک شده به خود را دور نمایی

أَوْيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَجِمْتَهُ، وَ لَيْتَ

و فردی که پناه داده‌ای او را پراکنده و مطرود نمایی. آن گاه به سوی بلاها رها نمایی. ای کاش محضر

(۲۰)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ
---	---	---

شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ، أُنْسَلُ النَّارَ عَلَى وَجْهِ

تو را می‌شناختم، ای سرورم و ای خدایم، و ای مولایم! آیا بر چهره‌هایی که در مقابل عظمت

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَ عَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ

تو به سجده افتاده‌اند و بر زبان‌هایی که بر وحدانیت تو صادقانه سخن می‌گویند

صَادِقَةً، وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَ عَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ

و به شکر گزاری تو ستایش‌گرند، عذاب می‌نمایی؟ که به تواز روی دلیل و تحقیق اعتراف نموده‌اند

بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً، وَ عَلَى ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ

و دلها و درونشان از شناخت و آگاهی به تو به گونه‌هایی لیریز است،

حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَ عَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ

که آن دلها در محضر تو فروتن و خاضعند. (خدایا! آیا آتش عذاب را مسلط می‌کنی؟) بر اعضایی که به سوی مساجد

تَعْبُدُكَ طَائِعَةً، وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعَنَةً، مَا هَكَذَا

و محل‌های پرستش تو از روی اطاعت و بندگی کوشش می‌کنند و از روی اعتراف به گناهان به طلب آمرزش از محضر تو اشاره می‌کنند.

الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ، خدایا! نسبت به تو این گمان نیست و ما از فضایل تو این گونه با خبر نیستیم، ای بزرگوار، ای پرورش دهنده‌ام

وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا،

در حالی که ضعف مرا نسبت به بلاها و عذاب‌های کوتاه دنیا و آن چه از ناخوشایندی‌های دنیا

(۲۱)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَظَّمَ عِزَّهُ وَجَدَ عِزَّهُ وَمَنْ خَفِيَ عِزَّهُ وَجَدَ خِيفَتَهُ
---	---	---

وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ

که بر اهلش جاری می‌شود، آگاه هستی. بنابراین خدایا! تو ضعف مرا نسبت

بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتُهُ يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ،

به بلا و ناخوشایندی‌های دنیا که توقفش کم و باقی بودنش ناچیز و زمانش کوتاه است، آگاه هستی.

فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِابِلَاءِ الْاٰخِرَةِ، وَ جَلِيلِ وُفُوعِ الْمَكَارِهِ

خدایا! چگونه بلاهای آخرت و بزرگی وقایع ناخوشایند آن را تحمل کنم؟

فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مَقَامُهُ، وَ لَا يَحْفَفُ

در حالی که بلاهای آن سرای، زمانش طولانی و جایگاه عذابش استمرار بخش و دائمی و نسبت

عَنْ اٰهْلِهِ، لِاِنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انتِقَامِكَ

به اهل عذاب تخفیفی نمی‌باشد. برای این که آن عذاب جز از روی ناراحتی و انتقام‌گیری

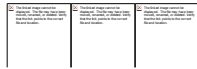
وَ سَخَطِكَ، وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ، وَ خَشَمْتَ نَمِي بِلَاءِ. خدایا! این عذاب‌ها را، آسمانها و زمین در برابرش مقاومت ندارند، یا سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي، وَ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ

ای سرورم! پس چگونه تحمل کنم؟ در حالی که من بنده ضعیف و خوار

الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا اِلٰهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ،

و کوچک و فقیر و بیچاره تو هستم. ای خدای من، ای پروردگارم، ای سرورم وای مولایم!

(۲۲)



لَا يَئِي الْاُمُورِ الْبَيْتُ اَشْكُو، وَ لِمَا مِنْهَا اَضِجُ وَ اَبْكِي، لِاَلَيْمِ

برای کدام کارهایم به محضر تو شکایت کنم؟ و برای کدام يك از آن‌ها شیون و گریه نمایم،

الْعَذَابِ وَ شِدَّتِيهِ، اَمْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِيهِ، فَلَيْنُ صَبْرَتِي

برای عذاب دردناک و سختی آن، یا برای طولانی بودن بلاها و زمان آن؟ بار خدایا! پس اگر

لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ، وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ،

مرا با دشمنانت در عذاب‌ها قرار بدهی و بین من و اهل بلایت جمع نمایی

وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ اَحْبَائِكَ وَ اَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا اِلٰهِي

و مرا از بین دوستان و خاصان خویش جدا کنی. (برایم بسیار مشکل است، پس مرا عفو نما). پس ببخشم، ای خدای من

وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي، صَبْرَتُ عَلَيَّ عَذَابِكَ، فَكَيْفَ

و ای سرورم و ای مولایم و ای پرورش دهنده‌ام! گیرم بر عذاب تو صبر کردم، اما چگونه

اصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ، وَ هَبْنِي صَبْرَتُ عَلَيَّ حَرِّ نَارِكَ،

جدایی تو را تحمل کنم؟ خدایا! مرا ببخش، گیرم بر آتش سوزان تو بردباری نمودم،

فَكَيْفَ اصْبِرُ عَنْ النَّظَرِ اِلَى كَرَامَتِكَ، اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِي

اما چگونه دوری از نظر لطف و کرمیت را تحمل نمایم؟ خدایا چگونه در آتش خشمیت سکونت

النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَقْسِمُ

نمایم؟ در حالی که امیدوار به عفو هستم. ای سرورم و مولایم! به عزت صادقانه‌ات قسم می‌خورم.
(۲۳)



صادقاً لئن تَرَكَتَنِي نَاطِقًا لَأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِيهَا اگر مرا در حال سخن گفتن (در میان دشمنان و عذاب خشمیت) رها کنی قطعاً در میان اهل آتش فریاد می‌زنم،

ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ،

چون داد زدن امیدواران و هر آینه سر و صدا می‌کنم، مثل فریاد زدن کسانی که یاور و فریاد رس می‌طلبند.

وَ لِإِبْكِينَ عَلَيْنِكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَ لِأُنَادِيَنَّكَ آيِنَ كُنْتَ يَا

و حتماً گریه بر تو می‌نمایم، و تو را صدا می‌زنم، مثل اشک ریختن کسی که فرزندش را

وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ

گم کرده است؛ ای یاور مؤمنین، ای آرزوی عارفان، ای فریاد رس کسانی

الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ،

که طلب یاری می‌نمایند، ای دوست دل‌های راستگویان، و ای خدای جهانیان کجا هستی؟

أَفْتَرُكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ، تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ آيَا نَظَرِ تُو آيِنِ اسْتِ؟ تُو مَنْزَهِي از این گونه برخوردها، که صدای بنده

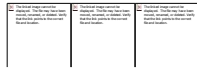
عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا

مسلمانی را بشنوی، که به خاطر مخالفتش در آتش زندانی گشته و به خاطر گناه طعم عذاب جهنم را چشیده

بِمَعْصِيَّتِهِ، وَ حُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ، وَ هُوَ

و به خاطر جرم‌ها و گناهانش در طبقات جهنم زندانی گشته است، به سوی رحمت

(۲۴)



يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُوءَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ

تو فریاد می‌زند، چون فریاد امیدواران به رحمتت و با زبان اهل وحدانیت

أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ

و بکتانیت تو را می‌خواند و دست به دامن خالقیت و پرورش دهنده‌گی تو می‌زند. ای مولایم!

فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ

چگونه بنده مسلمانی در عذاب باقی باشد؟ در حالی که به آنچه از صبر و بردباریت گذشته‌است،

حُلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ

امیدوار می‌باشند ای مولایم! چگونه آتش بنده مسلمانی را فرا گیرد؟ در حالی که امیدوار به فضل و رَحْمَتِكَ، اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبُهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ، و رحمت بیکران توست. خدایا! چگونه شعله‌ها بنده مسلمان را بسوزاند؟ در حالی که صدایش را می‌شنوی

وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ

و جایگاه او را می‌بینی. ای مولایم! چگونه زبانه‌های آتش بنده مسلمانی را فرا گیرد؟ در حالی که تو

ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،

ضعف او را آگاهی. خدایا! چگونه بنده مسلمان در میان آتش جهنم باشد؟ در حالی که به صداقت او آگاهی.

أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ،

ای مولایم! چگونه زبانه‌های آتش، بنده مسلمانی را شکنجه دهد؟ در حالی که تو را صدا می‌زند،

(۲۵)

وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ	و جایگاه او را می‌بینی. ای مولایم! چگونه زبانه‌های آتش بنده مسلمانی را فرا گیرد؟ در حالی که تو
ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ،	ضعف او را آگاهی. خدایا! چگونه بنده مسلمان در میان آتش جهنم باشد؟ در حالی که به صداقت او آگاهی.

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَنْتَرِكُ فِيهَا، هَيْهَاتَ

چگونه در آزادی خویش از عذاب جهنم امیدوار به فضل تو باشی؟ پس او را در آتش رها کنی. افسوس، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا مُشَبِّهٌ

این گمان به تو بعید است و از فضل تو این برخورد شناخته شده نیست. شباهتی به رفتار عملی لما عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ إِحْسَانِكَ، فَيَأْتِيَقِينَ تو از خوبی و نیکی‌ات به بندگان یکتاپرست ندارد، پس باور و آگاهی کامل دارم،

أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ، وَ قَضَيْتَ

که اگر تو حکم به عذاب منکرین خودت نمی‌کردی و قضاوت به

بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا،

عذاب ابدی دشمنانت نمی‌نمودی، حتما همه آتش و عذاب را سرد و گلستان و تسلیم می‌کردی

وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَ لَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

و برای احدی در جهنم استقرار و جایگاهی نبود. لکن اسماء و صفات زیبایی تو مقدس است

أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتُ أَنْ تَمَلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ

و تو قسم یاد کردی، که جهنم و آتش را از کافران جنی و انسی پر نمایی

وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَ أَنْتَ جَلَّ

و کسانی که با تو دشمنی دارند، جاودانه در عذاب نمایی. خدایا! مدح و ستایشت بزرگ است،

(۲۶)

وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَ أَنْتَ جَلَّ	و کسانی که با تو دشمنی دارند، جاودانه در عذاب نمایی. خدایا! مدح و ستایشت بزرگ است،
--	--

تَنَاوُكَ فُلْتَ مُبْتَدِنًا، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا، أَفَمَنْ

بدون سابقه شروع به بیان نمودی و نعمت‌ها را از روی بزرگواری عطا کردی، خدایا!

كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَ سَيِّدِي

آیا مؤمنین مثل فاسق‌ها هستند؟ اینان مساوی نیستند، ای خدای من و ای سرورم!

فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَ بِالْفَضِيَّةِ الَّتِي حَنَمْتَهَا وَ

پس به حق قدرتی که مقدر فرمودی و به حق حکمی که آن را قطعی نمودی، و طبق آن حکم کردی

حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتْهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ

و آن قضاوت را مسلط گردانیدی بر کسی که آن حکم را جاری نمودی. (خدایا به قدرنت) در این

اللَّيْلَةَ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ، وَ كُلِّ ذَنْبٍ

شب و در این ساعت همه جرم‌هایی که مرتکب شده‌ام و تمام گناهایی که

أَذْنَبْتُهُ، وَ كُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَ كُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ

نافرمانی کرده‌ام و همه زشتی‌هایی که پوشانده‌ام و تمام نادانی‌هایی که عمل نمودم و پوشاندم

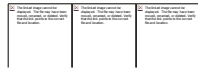
أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَ كُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ بِإِثْبَاتِهَا

یا آشکار نمودم، مخفی کردم یا اظهار نمودم، همه را بر من ببخش. تمام بدی‌هایی که نویسنندگان

الْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَ كَلَّمْتُهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي،

بزرگواری را امر به نوشتن آن‌ها نمودی، و آنان را وکیل کردی، تا از اعمال من، حفظ نمایند

(۲۷)



وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَ كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ

و آنها را با همه اعضای بدنم بر من شاهد قرار دادی (آن‌ها را ببخش). تو ناظر بر من هستی،

عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَ الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَ بِرَحْمَتِكَ

بعد از مراقبت آن مأموران و تو شاهی برای آن چه از آنها مخفی می‌شود، همه را ببخش. و به رحمتت قسم،

أَخْفَيْتَهُ، وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَ أَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

آنها را مخفی کن و به حق فضلتت قسم، آنها را ببوشان. خدایا! بهره مرا از تمام خیراتی

أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرِّ تَشَرَّتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ،

که نازل نمودی و از همه نیکی‌هایی که از روی فضل عطا نمودی و از تمام خوبی‌هایی که منتشر نمودی و از همه روزی‌ها که گسترده کردی

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَ مِنْ تَمَامِ گناهایی که آمرزیدی و از همه خطاهایی که پوشانیدی، زیاد فرما.

يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِّي، يَا مَنْ بِيَدِهِ

ای خدای من؛ ای سرورم، ای مولایم، ای مالک جانم؛ ای کسی که افسارم بدست اوست.

نَاصِيَتِي يَا عَلِيْمًا بَضْرِي وَ مَسْكَنَتِي، يَا خَبِيْرًا بِفَقْرِي

ای آگاه به سختی‌ها و بیچارگی، ای آشنای به ننداریم و تنگ دستی

وَ فَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

و نیازم. ای پرورش دهنده‌ام، ای پرورگارم، ای مریم! تو را بحق خودت
(۲۸)



وَ قُدْسِيكَ، وَ أَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَانِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي

و قداست و پاکیت و بزرگترین صفات و اسم‌هایت قسم می‌دهم، که وقت‌هایم را

مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً،

از شب و روز به نام و یاد خویش آباد نمایی، (و ساعات عمر مرا) به خدمت خود فراخوانی

وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تُكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي

و کارهای مرا در محضرت قبول نمایی، تا تمام اعمال و رفتارم، گفتار و ذکرهایم

كُلُّهَا وَرَدًا وَاحِدًا، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا،

همه در یک جهت و تمام حالاتم همیشه در خدمت و اطاعت تو باشد.

يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي،

ای سرورم! ای کسی که تکیه‌ام به اوست! ای کسی که از حالات زشت نفسانیم به حضورش شکایت نمودم!

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي،

ای مربی من، ای پرورش دهنده‌ام، ای پروردگارم!! به اعضای بدنم قدرت بده، تا در خدمت تو باشم،

وَ أَشَدِّدْ عَلَيَّ الْعَزِيْمَةَ جَوَانِحِي، وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي

و اعضای بدنم را بر تصمیمات محکم نما، خدایا! جدیت و قاطعیت در

خَشْيَتِكَ، وَ الدَّوَامَ فِي الأِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ

مسیر ترس از خود و استمرار خدمت در راحت را به من کرامت‌نما، تا در

(۲۹)



إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَ أَسْرِعْ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ،

میدان‌های سبقت به حضور تو از همه پیشی بگیرم. تا در میان شایسته‌گان محضرت، به سوی تو سرعت نمایم،

وَ أَشْتَقِ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ، وَ أَدْنُو مِنْكَ دُنُوًّا

تا به نزدیکی تو در میان مشتاقان رغبت نمایم و به حضور تو مقرب شوم،

الْمُخْلِصِينَ، وَ أَخَافُكَ مُخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَ اجْتَمَعَ فِي

چون نزدیک شدگان خالص در گاهت. تا از محضرت بترسم، ترسیدن انسانهایی که به علم قطعی رسیده‌اند،

جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اَللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ،

و تا در جوار رحمتت با مؤمنین هم‌نشین گردم خدایا، کسانی که اراده بدی به من نموده‌اند، آنها را دفع و رفع فرما

وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا وَ كَسَانِي كَهَ بَا مِنْ أَرْوَى حَبْلِهِ بِرُخُورِدِ كَرْدَهَانِد، بَا أَنْ هَا حَبْلِهِ نَمَا. مَرَا مِنْ جِهَتِ بَهْرَه وَ نَصِيبِ دَرِ مَحْضَرَتِ

عِنْدَكَ، وَ أَقْرَبِهِمْ مَنَزِلَةً مِنْكَ، وَ أَحْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ،

از بهترین بندگانت و از جهت مقام و جایگاه در پیشگاهت از نزدیکترین آنهاو از نظر مقام از خصوصی‌ترین بندگان قرار بده.

فَاتَهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَ جُدُلِي بِجُودِكَ،

پس قطعاً کسی به آن مقامات ذکر شده نرسد، مگر به واسطه فضل تو. خدایا! به بخشش قسم برای من

وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ اجْعَلْ

بخشش نما و به بزرگیت قسم بر من مهربانی کن و به رحمتت قسم مرا محفوظ فرما.

(۳۰)



لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُنِيْمًا، وَ مَنْ عَلَى

خدایا! زبانم را از جهت سخن به یاد خودت قرار بده و دلم را به محبت و عشق خود تبرک و رنگین نما.

بِحُسْنِ اجَابَتِكَ، وَ اَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَ اغْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ

خدایا! با زیبایی اجابتت بر من منت بگذار، لغزش‌هایم را کم نما، و سستی‌هایم را ببخش.

قَضَيْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ،

خدایا! به درستی که بر بندگانت حکم به عبادت خویش نمودی و آن‌ها را امر به خوانندگی کردی

وَ ضَمَنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي،

و اجابت نمودن را برای آن‌ها ضمانت نمودی. حال پروردگارم! به سوی تو آمدم، چهره‌ام را به محضرت تو قرار دادم

وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَيَعِزَّتْكَ اسْتَجِبْ لِي

و ای پرورش دهنده‌ام! دستم را به سوی تو دراز کردم. حال خدایا! قسم به عزتت دعایم را

دُعَائِي، وَ بَلَّغْنِي مُنَايَ، وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، اجابت نما، و به در خواستم جواب بده و مرا به آرزویم برسان و امیدم را از فضیلتت قطع نفرما.

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَ الْأَنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، پروردگار! و مرا در مقابل شرارت‌های جنی و انسی از دشمنانم کفایت نما.

يَا سَرِيعَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ ای خدایای که زود راضی می‌شوی! بی‌امرز کسی را که جز خواندن و دعا چیزی را مالک نمی‌باشد. همانا تو آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---	---	---

فَعَالَ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ،

چه را بخواهی انجام می‌دهی ای کسی که نامش، دارویی حیات بخش برای دردهاست.

وَ طَاعَتُهُ غِنَى، إِرْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَ سِلَاحُهُ

و یاد و ذکرش، شفا است و اطاعتش، بی‌نیازی از هر چیزی است. خدایا! رحم کن به کسی که

الْبُكَاءُ، يَا سَابِغَ النَّعَمِ، يَا دَافِعَ النَّقَمِ، يَا نُورَ

سرمایه‌اش امید و سلاحش گریه است ای خدایی که نعمت را بخشنده‌ای، ای دفع کننده عذاب‌ها،

الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ، صَلَّى عَلَيَّ

ای کسی که وحشت زدگان را در تاریکی نور حیات و نجاتی، ای عالمی که علم را کسی به او یاد نداده! درود

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ صَلَّى اللَّهُ

بر محمد و اهل بیتش بفرست. و خدایا! یا من رفتاری کن، آن چنان که شایسته آن هستی.

عَلَيَّ رَسُولِهِ وَ الْأَيُّمَةَ الْمَيَامِينَ مِنْ إِلَهِي،

و خداوند بر رسولش و امامان مبارک و خجسته از اهل بیت پیامبرش پی‌درپی درود فرستاد

وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و بسیار بر آنها سلام کرد، سلام خاصی که زبنده مقام والای آنهاست.

حضرت محمد (ص) فرمود:

«الدُّعَاءُ سَلَاخُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ

السَّمَوَاتِ وَ الْأَعْرَاضِينَ؛ مناجات الهی اسلحه

انسان با ایمان است و پایه دین خدا و

روشنایی آسمانها و زمین است.»

بحار الانوار: ج ۹۳/ص ۲۹۴

پیشنهادات و انتقادات خودتان را جهت یاری ما و

بالا بردن کیفیت عرضه نمودن فرهنگ غنی اسلام به

آدرس نشر الطیار ارسال نمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---	---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

«غزل مرحوم فیض کاشانی»

گفتم: که روی خوبت، از من چرا نهان است؟
گفتم: که از که پرسم، جانان نشان کویت؟
گفتم: مرا غم تو، خوشتر ز شادمانی
گفتم: که سوخت جانم، از آتش نهانم
گفتم: فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی!
گفتم: که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما!
گفتم: ز (فیض) بپذیر، این نیم جان که دارد

گفتا: تو خود حجاجی، ورنه رخم عیان است!
گفتا: نشان چه پرسی، آن کوی بی نشان است!
گفتا: که در ره ما، غم نیز شادمان است!
گفت آنکه سوخت او را، کی نادیا فغان است!
گفتم: نفس همین است؟ گفتا سخن همان است!
گفتم: غم بیفزا، گفتا که رایگان است
گفتا: نگاه دارش، غمخانه تو جان است

(۳۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

آغاز سخن

دعای ندبه که مجموعه‌ایی از معارف الهی و اسلامی می‌باشد. شامل بحث‌هایی از نبوت انبیای الهی و سپس از خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم و آنگاه از رسالت و امامت امامان معصوم علیهم السلام و منزلت‌های حضرت علی علیه السلام با بیان خاص می‌باشد، هم چنین مباحثی پیرامون شناخت و ارتباط و توجه به حضرت بقیة الله اعظم امام زمان (عج) می‌باشد.

ایران اسلامی که از دیر باز به این مجموعه به عنوان يك مناجات ارتباط با خدا به آن توجه فکری و عملی نموده، این سنت را زنده نگه داشته است، امروز باید به عمق معانی و جهت دهی این دعا در رمز نجات امت اسلامی و ارتباط با حجت خدا توجه شایانی نماید. چرا که پیروزی و افتخار امت در تمسک به قرآن و اهلبیت پیامبر می‌باشد،

زیرا آنها مفسرین کتاب خدا هستند، که حقایق آن دریای بیکران علم و دانش را برای انسان‌ها بیان می‌نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

در این نیایش گریه و اشک، بر مظلومیت آن حجت‌های الهی به عنوان ارتباط با آنان مطرح گردیده است. کسانی که حقوق و منصب آنها در طول تاریخ توسط جنایتکاران غصب گردید و بشریت برای همیشه تاریخ از رهنمودهای آن هادیان حق و عدل محروم گشت، بیراهه را بجای طریق مستقیم از روی غفلت و جهل مرکب انتخاب نمود. چون

(۳۸)

بشر در هر خسارتی ناراحت گردیده غم و غصه و اشک بر او حاکم می‌گردد.

پس فاجعه بزرگ تاریخ علیه الگوهای تمام نمای انسانیت، آیا موجب ناراحتی و گریه و اشک نمی‌شود؟

حال باید انسانها با توبه و گریه آن بیراهه را رها کنند و در راه مستقیم قرآن و نبوت و امامت معصومین علیهم السلام اسلام ناب را زنده نمایند. تا این که تاریخ تکرار نگردد.

(۳۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

سید بن طاووس در مصباح الزائر فصلی را در اعمال سرداب مقدس امام زمان (عج) شش زیارت نقل کرده و سپس دعای ندبه را به آن‌ها ملحق نموده است و فرموده: خواندن دعای ندبه در چهار عید؛ فطر، قربان، غدیر، جمعه مستحب است. (نقل از مفاتیح الجنان)

حضرت محمد (ص) فرمود:

«الدُّعَاءُ مُحُّ الْعِبَادَةِ، وَ لَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ
أَحَدٌ؛ نِيَايِشْ بَا خُدَا رِيْشَه عِبَادَتِ الْهِي اَسْت
وَ اَحْدِي بَا دَعَا خَوَانْدَن هَلَاكِ نَمِي شُود.»
(٤٠)

بحار الانوار: ج ٩٣/ص ٣٠٠

(٤١)



«توسل به حضرت مهدی (عج)»

گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را
این دیده نیست قابل دیدار روی تو
تو در میان جمعی و من در تفکرم
هر صبح جمعه ندبه کنان در دعای صبح
یابن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من
گویند دشمنان که تو بنموده‌ای ظهور
همچون مؤیدم به نکاپو مگر دمی
ای نور دیده جان و دل اهدا کنم تو را
چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را
کاندر کجا برآیم و پیدا کنم تو را
از کردگار خویش تمنا کنم تو را
در عالم خیال، هویدا کنم تو را
زین افترای محض میرا کنم تو را
ای آفتاب گمشده پیدا کنم تو را

(٤٢)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدایی که رحمت خاصی و عايش همه هستی را فرا گرفته است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

ستایش برای خداوندی که پرورش دهنده جهان هستی است و خداوند بر سرور ما حضرت محمد (ص)

نَبِيِّهِ وَ آلِهِ، وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا، أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى

پیامبرش و اهل بیت او و درود و سلامی خاص ارسال نمود. خدایا! ستایش برای توست، بر آن چه

بِهِ قَضَائُكَ، فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ

حکم تو در مورد دوستانت جاری است. دوستانی که آنها را برای خودت و

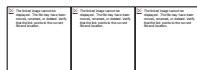
وَ دِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ

دینت خالص نمودی، زیرا تو ای خدا! پاداش را از نزد خود برای آنان از نعمت‌های استواری که المقیم، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَ لَا اِضْمَحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ
نشدنی است، اختیار نمودی. دانمی و نابود بعد از اینکه بر آن برگزیدگان زهد و بیرغبتی در درجات عَلَيَّهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدُّنْيَا، وَ زُخْرُفِهَا
این دنیای پست و زیورها و زینت‌های آن را شرط نمودی، پس آنها شرط زهد را در زندگی دنیا

وَ زُبُرِجِهَا، فَسَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَ عَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ،

پذیرفتند. ای خدا! دانستی که آنها وفای به عهد خویش کردند،

(٤٣)



فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ، وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الدُّكْرَ الْعَلِيَّ، وَ التَّنَاءَ

پس از آنها پذیرفتی و آنها را متقرب نمودی و ذکر والا و برتر و مدح و ثناء بزرگ را برای آنان پیش فرستادی.

الْجَلِيَّ، وَ أَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَ كَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ،

خدایا! تو بر آنها ملائکه خویش را نازل نمودی و با وحی خود آنها را کرامت دادی، و با دانش خویش و رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الدَّرِيْعَةَ إِلَيْكَ، وَ الْوَسِيْلَةَ
از آنها پذیرایی و حمایت نمودی. خدایا! آنها را وسیله به محضر تو و واسطه، برای کسب رضایت

إِلَى رِضْوَانِكَ، فَبَعْضُ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ

خویش قرار دادی. خدایا! بعضی از آن دوستان خاص خود را در بهشت خویش ساکن نمودی، تا مِئْهَا، وَ بَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَ، وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ أَمِنَ مَعَهُ
این که او را از آن جنت خارج نمودی. و بعضی دیگر از برگزیدگان را بر کشتی سوار نمودی و سپس او و ایمان آوردگان به او را به واسطه مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَ بَعْضُ
اِتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيْلًا، وَ

رحمت خویش از نابودی نجات دادی. و بعضی دیگر از دوستان خود را برای خود به عنوان دوست برگزیدی. و با

سَنَّاكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، فَاجْتَبَيْتَهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ

زبان صداقت در میان امت از تو درخواست نمود، سپس او را اجابت نمودی. و او را برتر از دیگران

عَلِيًّا، وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيْمًا، وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ قَرَارِ دَادِي وَ بَعْضِي دِيْغَرِ از دوستانت که از طریق درخت با او سخن را آغاز نمودی و برای او،

(٤٤)



أَخِيهِ رِدْءًا وَ وَزِيْرًا، وَ بَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَ آتَيْتَهُ

برادرش را به عنوان وزیر قرار دادی، و بعضی دیگر از دوستان درگاہت را بدون پدر متولد نمودی و به او معجزات

الْبَيِّنَاتِ، وَ آيَدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، وَ كُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيْعَةً،

عطا کردی و بوسیله روح القدس او را تأیید نمودی و برای هر يك از آنها دینی معین نمودی،

وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَا، وَ تَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ

و برایشان راهی را قرار دادی، و جانشینانی برای آنها اختیار نمودی. هر يك بعد از دیگر حفاظت

مُسْتَحْفِظًا، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَ حُجَّةً عَلَى

از دین را عهده دارند و هر يك زمانی را مسئول پایدار نمودن دین تو هستند و هر يك حجتی بر

عِبَادِكَ، وَ لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَ يَغْلِبَ الْبَاطِلُ

بندگان تو می‌باشند. که حق از جایگاه خویش زایل نگردد، و باطل بر اهل آن

عَلَى أَهْلِهِ، وَ لَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا،

پیروز نشود و کسی نگوید، چرا رسولان را برای ترساندن و ارشاد ما نفرستادی و اتمام حجت نکردی؟

وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًّا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ

خدایا! پرچم هدایت را برای ما برافراشته نمودی، تا قبل از اینکه تحقیر و خوار گردیم، از آیات تو

وَ نَخْرِي، إِلَىٰ أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَىٰ حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ،

پیروی نمایم. تا این که امر رسالت را به دوست و برگزیده‌ات

(۴۵)



مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَكَانَ كَمَا أَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَنْ

حضرت محمد (ص) منتهی نمودی. خدایا! پس حضرت محمد (ص) چنان بود، که او را برگزیدی، سرور کسانی است، که آفریدی و برگزیده

خَلَقْتَهُ، وَ صَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَ أَكْرَمَ

کسانی است، که انتخاب نمودی و با فضیلت‌ترین کسانی است، که برگزیدی. خدایا! خاتم انبیا با کرامت‌ترین

مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ، وَ بَعَثْتَهُ إِلَىٰ الثَّقَلَيْنِ

فردی است، که به او اعتماد نمودی و او را بر همه انبیای : خویش مقدم نمودی و او را بسوی جنی‌ها و انسان‌های

مِنْ عِبَادِكَ، وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ

از بندگانت مبعوث نمودی. خدایا! آن حضرت را بسوی مشرق‌ها و مغرب‌ها حرکت دادی و مرکب بهشتی

الْبُرَاقَ، وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَىٰ سَمَاوَاتِكَ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمًا مَا

براق را رام او نمودی و او را با روحش بسوی معنویت خویش پرواز دادی. خدایا! به پیامبر (ص) علم گشته

كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَ

و دانش زمان حال و تمام علوم آینده را تا پایان آفرینش به امانت سپردی. سپس آن رسول خاتم (ص) را با ترس در دل دشمنانش یاری

حَقَفْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ، وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ،

نمودی. و او را با جبرئیل و میکائیل و ملائکه‌های معین و نامدار احاطه نمودی

وَ وَعَدْتَهُ أَنْ تُظَهِّرَ دِينَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ

خدایا؛ تو وعده به پیامبر دادی، که دین او را بر تمام ادیان مسلط و پیروز نمایم. اگر چه ناخوشایند

(۴۶)



الْمُشْرِكُونَ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءَ صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَ

مشرکین باشد و آن وعده بعد از این بود، که او را در جایگاه صداقت و دوستی با اهلسن جایی دادی.

جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ، لَلَّذِي بَيْنَكَ

خدایا! اولین خانه را که برای مردم قرار داده، برای پیامبر و اهلبیتش قرار دادی، آن خانه‌ای که در مکه واقع شده

مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ، فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ،

و محل برکات و چراغ هدایت جهانبان می‌باشد. در آن خانه نشانه‌های روشنی وجود دارد، مقام ابراهیم (ع)

وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، وَ قُلْتَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ

و کسی که داخل آن خانه شود. امنیت می‌یابد. خدایا؛ فرمودی: همانا خداوند اراده نمود، تا پلیدی‌های

الرَّجْسِ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا، ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ

را از شما اهل‌بیت بر دارد و شما را طهارت و پاکی خاصی عنایت فرماید. خدایا: سپس پاداش

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ

محمدی را که درود تو بر او و اهل بیتش باد، دوستی در کتابت قرار دادی، سپس فرمودی:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، وَ قُلْتَ مَا

پیامبر؛ به مردم‌اعلان نما، من از شما پاداشی در انجام رسالت و هدایت نمی‌خواهم، مگر دوستی در مورد خویشان پیامبر، خدایا فرمودی:

سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ، وَ قُلْتَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

من هم از شما در خواست پاداشی ندارم، پس آن برای شما باشد و فرمودی: از

(۴۷)



أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا، فَكَانُوا هُمْ

پاداش رسالت سؤال نمی‌کنم، مگر کسی به خواهد، به سوی پروردگارش راهی انتخاب نماید. چون اینان،

السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْأَلُكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ

راه به سوی تو و مسیر و طریق کسب رضایتت می‌باشند. پس زمانی که مدت رسالت آن رسول (ص)

أَيَّامُهُ، أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَ

تمام شد، ولی خود علی بن ابیطالب را که درود تو ای خدا بر آن پیامبر و جانشین و اهل‌بیتش باد،

الهِمَا هَادِيَا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَ

بعنوان چراغ هدایت امت معین نمود. زیرا آن پیامبر انذار کننده و برای امتها هدایتگر است. پیامبر در حالی که

الْمَلَأَ أَمَامَهُ، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ

محضرش بودند، فرمود: کسی که من مولای او هستم، علی هم مولای اوست. خدایا! دوست‌دار کسی که علی را

والاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخذْ مَنْ

دوست می‌دارد، دشمن بدار کسی که او را دشمن می‌دارد. و نصرت ده، کسی که او را یاری می‌کند و ذلیل نما

خَذَلَهُ، وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ وَ قَالَ أَنَا وَ عَلِيٌّ

کسی که او را تحقیر می‌کند. و فرمود: کسی که من پیامبر او هستم، پس علی (ع) امیر اوست و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرَةٍ شَتَّى،

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ	وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ	وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ
--	--	--

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ

خداوند علی را نسبت به من، جایگاه هارون نسبت به موسی(ع) قرار داد. و به علی(ع) فرمود: نسبت تو به من

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي، وَ زَوْجَهُ ابْنَتَهُ

مثل هارون نسبت به حضرت موسی(ع) است. مگر این که بعد من پیامبری نیست و پیامبر دخترش

سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ أَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ رَا كَه خَاتَمِ زَنَانِ جِهَانِ هَسْتِي بُوْدَه بَه اَز دَوَاجِ عَلِي (ع) دَر اَوْرَدَه وَ اَز مَسْجِدِش بَرَايِ حَضْرَتِ عَلِي (ع) حَلَالِ كَرْد، اَنْ چَه بَرَايِ خُودِ حَلَالِ بُوْد

وَسَدَّ الْأَبْوَابَ الْإِبَابَةَ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا

و همه درب‌های مسجد را بست، مگر درب خانه علی(ع). پس پیامبر علم و حکمتش را نزد علی(ع) به امانت سپرد، و فرمود: من

مَدِينَةَ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَ الْحِكْمَةَ

شهر دانشم و علی علیه‌السلام درب آن، پس کسی که اراده ورود به شهر حکمت و دانش نمود.

فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَارِثِي،

باید از درب آن وارد شود. سپس فرمود: ای علی(ع)! تو برادرم و جانشینم و وارثم هستی،

لَحْمِكَ مِنْ لَحْمِي، وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي، وَ سَلْمُكَ سَلْمِي، وَ

گوشت تو گوشت من است، خون تو از خون من است و صلح و آشتی تو صلح من است، و

حُرْبُكَ حَرْبِي، وَ الْإِيمَانُ مَخَالِطٌ لِحْمِكَ وَ دَمِكَ، كَمَا

جنگ تو، جنگ من است. ایمان با گوشت و خون تو در آمیخته، هم چنان که

(۴۹)

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ	وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ	وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مَنِي بِمَنْزِلَةٍ
--	--	--

خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي، وَ أَنْتَ غَدَا عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَ

ایمان با گوشت و خونم مخلوط شده. حضرت فرمود: ای علی(ع)! تو فردای قیامت بر حوض کوثر جانشین منی و

أَنْتَ تَقْضِي دِينِي، وَ تُنَجِّزُ عِدَاتِي، وَ شَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ

بده کاری مرا پرداخت می‌کنی و وعده‌های مرا قطعی می‌نمایی. حضرت فرمود: شیعیان تو بر منبرهایی

مِنْ نُورٍ، مُبَيِّضَةً وُجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَ هُمْ جِيرَانِي،

از نور با چهره‌های نورانی‌شان در بهشت اطراف من هستند و اینان همسایگان من می‌باشند.

وَ لَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي وَ كَانَ بَعْدَهُ

حضرت فرمود: ای علی (ع) اگر تو نبودی، بعد از من مؤمنین شناخته نمی‌شدند و

هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَ نُوراً مِنَ الْعَمَى وَ حَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ وَ

هدایت از گمراهی و نور از تاریکی و بینایی از کوری و ریسمان محکم الهی و

صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ لَا يُسْبِقُ بَقْرَابَةَ فِي رَحِمٍ، وَ لَا بِسَابِقَةَ

راه مستقیم الی الله شناخته نمی‌شد. در خویشاوندی با پیامبر کسی بر علی (ع) سبقت نگرفته و در اسلام آوردن کسی بر علی (ع)

فِي دِينٍ، وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ مِّنْ مَنْاقِبِهِ، يَحْدُوا حَدَّوْ

پیشی نگرفته و انسانی در بزرگی و ستودگی از اوصاف پسندیده به حضرت ملحق نمی‌گردد. قدم به قدم از

الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ الْهِمَا، وَ يُفَاتِلُ عَلَى التَّوَالِي، وَ

حضرت رسول (ص) پیروی می‌نمود، حضرت علی (ع) در راه بیان حق با کسانی که حق را از مسیرش خارج نمودند، می‌جنگید
(۵۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ، قَدْ وَثَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ، وَ

و در راه خدا از سرزنش کنندگان باکی نداشت. حضرت علی (ع) بزرگان عرب و

قَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَ نَاوَشَ دُؤْبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا،

پهلوانان آنها را کشت و سرکشان را مطیع نمود. پس در دل‌هایشان به امانت سپرد کینه‌های جنگ

بَدْرِيَّةً وَ حَيْبَرِيَّةً وَ حُنَيْنِيَّةً وَ غَيْرَ هُنَّ، فَأَصَبَتْ عَلَى

بدر و خیبر و حنین و غیر این جنگ‌ها را، پس سرکشان دل به دشمنی او دادند

عَدَاوَتِهِ، وَ أَكَبَّتْ عَلَى مُنَابَدَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ

و با قلب‌ها و اختلاف و دشمنی بر او حمله نمودند، تا این که حضرت علی (ع) پیمان شکن‌ها را

الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ، وَ قَتَلَهُ أَشَقَى

و حيله‌گرها را و از دین خارج شده‌ها را کشت. و زمانی که حضرت جان سپرد و بدست‌ترین انسان‌های آن روز با **الأَعْرَبِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَعْوَالِينَ، لَمْ يُمْتَلِ أَمْرُ**
رَسُولِ اللَّهِ

پیروی از شقی‌ترین افراد گذشته او را به شهادت رسانند، امر و دستور پیامبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ الْهِمَا فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَ الْأُئِمَّةُ

در مورد امامان هدایتگر یکی پس از دیگری عملی نگردید. و امت

مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ، وَ أَقْصَاءُ

اصرار بر دشمنی او داشته و همه بر قطع رحم و ارتباط با او اجتماع نمودند و همه امت بر تبعید

(۵۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

وُلِدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِ عَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فِرْزَانِ حَضْرَتِ عَلِيِّ (ع) اتِّفَاقِ كَرْدَنْدِ، مَگرِ عِدِه كَمِي كِه دَر مَوْرِدِ اَمَامَانِ نَوْرِ حَقِّ رَا مَرَاعَاتِ نَمُوَنْدَنْدِ.

فَقْتِلْ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِي مَنْ سُبِيَ، وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى، وَ

پس عدهایی از آن کشته شدند و عدهایی اسیر گشته و گروهی تبعید شدند. و

جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمُتَوَبَّةِ، إِذْ كَانَتْ

حکم برای آنها جاری است، به سبب ثواب نیکویی که برای آنها آرزو می‌گردد. زیرا

الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ،

زمین برای خداست، و به بندگانی که بخواهد، ارث واگذار میکند، در حالی که عاقبت برای انسان‌های با تقواست.

وَ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ

پروردگارا ما منزله از عیوب است، وعده پروردگار مان محقق می‌گردد و هرگز خداوند از وعده‌اش

وَ عَدَّهُ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، فَعَلَى الْأَعْطَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ

تخلف نمی‌کند و قدرتمندی حکیم است. پس بر پاکترین از اهل بیت

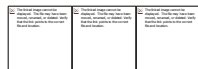
مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا، فَلْيَبْكِي الْبَاكُونَ،

محمد (ص) و علی (ع) که نورد خدا بر آنها باد، باید گریه کنندگان بگریند.

وَ إِيَّاهُمْ فَلْيَبْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَانْدَرْفِ الدُّمُوعُ،

گریه کنندگان باید با صدای بلند ناله کنند، و برای امثال ایشان باید اشک‌ها جاری شود

(۵۲)



وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضِحَّ الضَّاحُونَ، وَ يِعْجَّ الْعَاجُونَ،

و شیون کنندگان باید بلند شیون کنند و صدا کنندگان از روی غم باید فریادشان بلند گردد. و ناله کنندگان باید با شدت ناله و فریاد زنند.

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ

حسن و حسین کجا هستند؟ فرزندان حسین کجايند؟ صالحين يکي پس از

صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ

دیگری آمدند و صادقین یکی پس از دیگری آمدند، اما کجايند؟ راه مستقیم الهی یکی پس از دیگری کجاست؟

الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْفَارُ
بهترین افراد و برگزیدهترین آنها یکی پس از دیگری کجايند؟ خورشیدهای طلوع کننده حق کجايند؟
ماه‌های

الْمُنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ نَوْرِ دَهْنَدِه، وَ سِتَارَه‌های نور افشان کجايند؟ پایه‌های استوار دین و کجايند؟

الْعِلْمِ، أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِنْدَةِ الْهَادِيَّةِ، أَيْنَ

استوانه‌های علم‌ذخیره الهی که خارج از عترت طاهره هدایتگر نیست، کجاست؟ کجاست،

الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ، أَيَّنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَ

کسی که آماده ریشه‌کن نمودن دنباله ظالمین است؟ کجاست، کسی که در انتظار هموار و مستقیم

الْعُوجِ، أَيَّنَ الْمُرْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيَّنَ

نمودن انحرافات؟ کجاست، محل امیدواری برای نابودی ظلم و دشمنی؟ کجاست،

(۵۳)



الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ أَيَّنَ الْمُتَخَيِّرُ لِإِعَادَةِ

کسی که ذخیره شده برای زنده نمودن واجبات و سنت‌های اسلامی؟ کجاست، کسی که انتخاب شده برای

الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيَّنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ،

برگرداندن آیین و شریعت دینی؟ کجاست، کسی که امید زنده کردن کتاب خدا و حدود الهی است؟

أَيَّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، أَيَّنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ

کجاست، کسی که زنده کننده پایه‌های دین و دینداران است؟ کجاست، در هم کوبنده بزرگی و

الْمُعْتَدِينَ، أَيَّنَ هَادِمُ أُنْبِيَّةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ،

جلالت متجاوزین؟ کجاست، نابود کننده بناهای شرک و نفاق؟

أَيَّنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيَّنَ حَاصِدُ

کجاست، آن کسی که اهل بدی‌ها و گناه و تجاوز را نابود می‌کند؟ کجاست، کسی

فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّفَاقِ، أَيَّنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ،

که شاخ و برگ‌های ظلم و شقاوت را درو می‌کند؟ کجاست، کسی که آثار انحرافات را و آثار پیروی از خواسته‌های نفسانی را نابود می‌نماید؟

أَيَّنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْأَعْفَرَاءِ، أَيَّنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَ

کجاست، آن کسی که رشته‌ها و ریسمان دروغ و تهمت را قطع می‌نماید؟ کجاست، آن کسی که سرکشان و متجاوزان

الْمَرَدَةِ، أَيَّنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالنَّضْلِيلِ وَالْأَعْلَاحِدِ،

را ریشه کن می‌نماید؟ کجاست، کسی که اهل دشمنی‌ها و گمراهی‌ها و کفر و شرک و ستمگری را ریشه‌کن می‌نماید؟

(۵۴)



أَيَّنَ مَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيَّنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَيَّ

کجاست، آن فردی که دوستان را عزت می‌بخشد و دشمنان را ذلیل می‌نماید؟ کجاست، کسی که همه را بر محور تقوای الهی

النَّقْوَى، أَيَّنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيَّنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي

جمع آوری می‌نماید؟ کجاست، آن درب الهی که از آن وارد می‌شوند؟ کجاست، روی زیبایی الهی

لِيهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَعْرُضِ وَ

که دوستانش به او توجه می‌کنند؟ کجاست، آن ریسمان ارتباط بین زمین و آسمان؟

السَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرُ رَأْيَةِ الْهُدَى، أَيْنَ

کجاست، آن صاحب پیروزی و گسترش دهنده پرچم هدایت؟ کجاست،

مُؤَلَّفُ سَمَلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا، أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ

جمع کننده لباس خوبی‌ها و رضایت؟ کجاست، آن که انتقام خون

الْأَنْبِيَاءِ وَ أَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ،

انبیاء و فرزندان او را بگیرد؟ کجاست، آن که خون مظلومانه کشته شدگان کربلا را طلب کند؟

أَيْنَ الْمُنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى، أَيْنَ

کجاست، آن که بر متجاوزین و دروغ پردازان خود پیروز می‌گردد؟ کجاست،

الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو

آن پریشان بیچاره و گرفتاری که هر زمانی خدا را بخواند، جواب داده می‌شود، کجاست، کسی که سرور همه
(۵۵)



الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَ ابْنُ عَلِيٍّ

مردم و صاحب خوبیها و تقوای الهی است؟ کجاست، فرزند پیامبر برگزیده؟ کجاست، فرزند علی

الْمُرْتَضَى، وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَّاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى،

مرتضی؟ و کجاست، فرزند خدیجه نورانی؟ و کجاست، فرزند فاطمه‌ای که بزرگترین زنان است؟

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَفَاءُ وَ الْجَمِي، يَا بَنُ

پدرم و مادرم فدای تو، و جانم سیر حفاظتی و بلا گردان و حمایت کننده تو باشم. ای فرزند

السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ

سرور مقربان درگاه الهی! ای فرزند برگزیده بزرگواران! ای فرزند هدایتگران

الْمُهْدَبِينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدَبِينَ، يَا بَنَ الْعَطَارِفَةِ

هدایت یافته! ای فرزند بهترین پاکیزگان! ای فرزند سرور

الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ

جوانمردان و بزرگان! ای فرزند پاکترین پاکان! ای فرزند برگزیدگان شناخته شده و

الْمُنْتَجَبِينَ، يَا بَنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْبُدُورِ

بزرگواران برگزیدگان الهی! ای فرزند سروران و بخششگران اهل کرامت! ای فرزند ماه‌های

الْمُنِيرَةِ، يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَابْنَ الشُّهُبِ الثَّقَابَةِ، يَابْنَ

نور دهنده ای فرزند چراغ‌های روشن و نور دهنده! ای فرزند شهاب‌های آسمانی که نفوذ کننده‌اند! ای فرزند
(۵۶)



الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَابْنَ الْأَعْلَامِ

ستاره‌های نورانی! ای فرزند راه‌های روشن! ای فرزند پرچم‌ها و نشانه‌های

اللَّائِحَةِ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ،

واضح! ای فرزند دانش‌های کامل! ای فرزند روش‌های شهرت یافته (بین مسلمین)!

يَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْتُورَةِ، يَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَابْنَ

ای فرزند نشانه‌های رسیده شده (از جانب خداوند و پیامبر)! ای فرزند اعجاز‌های ایجاد شده! ای فرزند

الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ، يَابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَابْنَ النَّبَأِ

راهنمایان و برهان‌های عینی و واضح ای فرزند راه راست! ای فرزند خیر

الْعَظِيمِ، يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ،

بزرگ، ای فرزند آن کسی که در اصل کتاب نزد خداوند سبحان از همه برتر و اهل دقت و حکمت است!

يَابْنَ الْآيَاتِ وَالنَّبِيَّاتِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ

ای فرزند نشانه‌ها و دلیل‌ها! ای فرزند راهنمایان و استدلال روشن و آشکار! ای فرزند

الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ،

برهان‌های روشن و واضح و جلب توجه کننده! ای فرزند دلیل‌های رسا و روشن!

يَابْنَ النِّعَمِ السَّابِغَاتِ، يَابْنَ طَهِّ وَ الْمُحْكَمَاتِ، يَابْنَ يَسَاءِ

ای فرزند نعمت‌های وسیع و تمام و طولانی! ای فرزند طه و آیات محکم قرآن! و ای فرزند پس
(۵۷)



وَ الدَّارِيَّاتِ، يَابْنَ الطُّورِ وَ الْعَادِيَّاتِ، يَابْنَ مَنْ «دَنَى

و داریات و طور و عادیات! ای فرزند کسی که نزدیکتر

فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» دُنُوًّا وَ أَقْتَرَابًا مِنْ

شد! سپس نزدیکتر گردید، پس به اندازه دو کمان یا کمتر رسید. این نزدیکی و تقریبی، از

الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ

جانب خداوند برتر که برترین است، می‌باشد. ای کاش می‌فهمیدم، که جدایی، تو را کجا مستقر نموده؟ کدام

أَيُّ أَرْضٍ تُفَلِّكُ أَوْ تُرِي، أَبْرَضُوى أَوْ غَيْرِها، أَمْ ذى طُوى،

زمین و خاک تو را در آغوش گرفته؟ آیا رضوانی یا در غیر آنی یا در سرزمین طوی هستی؟

عَزِيزٌ عَلَیَّ أَنْ أَرى الخَلْقَ وَ لَا تُرِى، وَ لَا أَسْمَعُ لَكَ

ای امام زمان! بر من سخت است، که مردم را ببینم، در حالی که تو دیده نشوی و صدای آهسته

حَسِيسَا وَ لَا نَجوى، عَزِيزٌ عَلَیَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِى

و راز مخفی و نجوی گری تو را نشنوم. ای حجة بن الحسن! بر من مشکل است، که بلاها فقط

الْبُلُوى، وَ لَا يَبْأَلُكَ مِنِّى ضَجِيجٌ وَ لَا شَكوى، بِنَفْسِى أَنْتَ

تو را احاطه نماید، و شیون و صدای ناله و شکایتم به محضر تو نرسد. به جانم قسم، تو

مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَحُلْ مِنَّا، بِنَفْسِى أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا،

حقیقت پنهانی هستی که آن مخفی از ما دور نیست، از غایب شده‌ای است، که جدا و خالی از ما نمی‌باشد،

(۵۸)



بِنَفْسِى أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا

قسم به جانم، که تو آرزوی مشتاقانی از مردان و زنان با ایمانی هستی، که تو را آرزو می‌نمایند، و یادت می‌کنند و از عمق جان ناله می‌زنند.

فَحَنَّا، بِنَفْسِى أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامِى، بِنَفْسِى أَنْتَ

به جانم قسم تو از پیمان و ارتباط عزت بخشی برخوردار هستی، که هم سنگ و هم طرازی نداری. یا ابن الحسن، به جانم قسم،

مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِى، بِنَفْسِى أَنْتَ مِنْ تِلَادِنَعِمٍ لَا

تو از استواری و اصالت و بزرگی برخوردارى، که برابری ندارد. به جانم قسم، از نعمت دیرینه الهی هستی، تُضَاهِى، بِنَفْسِى أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا

يُسَاوِى إِلَى

که شبیهی ندارد. به جانم قسم، از شرافتی برخوردارى که ماندنی ندارد.

مَتى أَحَارُفِكَ يَا مَوْلَاى، وَ إِلَى مَتى وَ أَى خِطَابٍ أَصِفُ

ای امام زمان! ای سرورم! تا چه زمانی سرگردان تو باشم، و تا چه وقتی و با کدام خطاب و

فِيكَ وَ أَى نَجوى، عَزِيزٌ عَلَیَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ أَنَاغِى،

گفتار و نجوا تو را، توصیف نمایم. بر من سخت است، که از غیر تو جواب بشنوم و هم صحبت شوم.

عَزِيزٌ عَلَیَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَ يَخْذُلُكَ الْوَرى، عَزِيزٌ عَلَیَّ أَنْ

بر من مشکل است که تو را به گریانم، در حالی که مردم تو را رها می‌کنند. بر من مشکل است،

يَجْرِى عَلَيْنِكَ دُونَهُمْ مَا جَرى، هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ

که بگذرد بر تو آن چه نزد آنها می‌گذرد، آیا یاری هست؟ که او را طولانی و استمرار بخشم.
(۵۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

الْعَوِيلَ وَ الْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا،

با ناله و گریه، آیا بی‌تابی کننده‌ای وجود دارد؟ تا او را در بی‌تابی و ناله زدن زمانی که خلوت کرده‌یاری

هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ

نمایم. آیا چشم خار گرفته‌ای وجود دارد؟ تا چشمم آن خار افتادگی را یاری نماید.

يَابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَنُتْقِي، هَلْ يَنْصِلُ يَوْمَئِذٍ بِعَدَةِ

ای فرزند احمد! آیا راهی به سوی تو هست؟ تا ملاقات و دیده شوی. آیا روزگار ما به زمان ظهور تو مرتبط می‌گردد؟

فَنَحْضِي، مَتَى تَرِدُ مَنَا هَلِكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرُوي، مَتَى نَنْتَقِعُ

تا بهرمنند گردیم. امام زمان! چه زمانی به سرچشمه‌های وارد شویم؟ تا از آن سیراب گردیم. آقا جان! تشنگی شدید گشته، سپس طولانی شده، چه زمانی

مِنْ عَذَبِ مَا نِكَ فَفَدَّ طَالَ الصَّدَى مَتَى نُغَادِيكَ وَ

از آب گوارای تو بهرمنند خواهیم شد؟ چه زمانی فرا می‌رسد، که صبح‌ها و شب‌ها با تو باشیم

نُراوِحُكَ فَنُقَرِّ عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَ تَرِيكَ، وَ قَدْ نَشَرْتِ

و دیده‌ای روشن نمایم. چه زمانی فرا خواهد رسید؟ که ببینی ما را و ما تو را ببینم، در حالی که قطعاً پرچم

لِوَاءِ النَّصْرِ، تُرَى أَتْرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَأْمُ الْمَلَاءِ، وَ قَدْ

پیروزی را گسترده و نمایان سازی. آیا زمانی می‌آید؟ که ببینی ما اطراف تو هستیم، در حالی که امامت و رهبری مردم را عهده‌داری.

مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَ أَدَقَّتِ أَعْدَانِكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ

که زمین را از جهت عدالت پوشش دهی و به دشمنانت خواری و عذاب و عقوبت اعمال را بچشانی.

(۶۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

أَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَ جَحْدَةَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ،

که سرکشان متجاوز و منکرین حق را نابود کنی و دنیا را مستکبرین را قطع نمایم

وَ اجْتَنَنْتِ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و اساس ظالمین را از ریشه برکنی، و ما می‌گوییم حمد و ستایش و سپاس برای خدایی است، که اَللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَ الْبُلُوِي، وَ إِلَيْكَ جهان هستی را تربیت و پرورش داد. خدایا! تو سختی‌ها و مشکلات را کشایش دهنده و حل کننده‌ای و از

أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدُوِي، وَ أَنْتَ رَبُّ الْأَخْرَةِ وَ الدُّنْيَا،

تو یاری می‌خواهم، یاری و حل مشکلات نزد توست. خدایا! تو پرورش دهنده آخرت و دنیایی،

فَاغِيثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُتَبَلِّغِي، وَارِهِ سَيِّدَهُ

پس ای فریاد رس فریاد کنندها، به دادرسی بنده حقیرت که گرفتار شده بر سر و سرورش را به او نشان بده.

يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أَرِزْ عَنْهُ بِهِ الْأَعْسَى وَ الْجَوَى، وَ بَرِّدْ

ای کسی که لشکر و نیروی هایت قوی است! خدایا! به وسیله دیدار حضرت امام زمان (عج) از بنده حقیرت غم و غصه و سوز دل را بر طرف فرما. خدایا! غلیله یا من علی العرش

اسْتَوِي، وَ مَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعِي وَ

سوز تشنگی بندهات را سرد و خنک نما. ای خدایی که بر قدرت تکیه زده‌ایی و بازگشت و انتهای کار به

الْمُنْتَهَى، اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَ لِيَّكَ

سوی توست! خدایا ما بندگان حقیر تو، عاشق و دلباخته ولی تو، آن امام زمانی هستیم، که تو و پیامبرت را به ما

(۶۱)



الْمُذَكَّرِيكَ وَ بِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ

یادآور است. امامی که او را به عنوان حافظ و پناه و نگهبان ما آفریدی. خدایا! امام زمان حاجتی

لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلِّغْهُ مِنَّا

است که او را برای ما مایه استواری و ثبات و پناه و استحکام قرار دادی. و او را امام و رهبری، برای ما مؤمنین قرار دادی. از جانب ما درود و سلامی

تَحِيَّةً وَ سَلَامًا، وَ زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا، وَ اجْعَلْ

به او برسان و ای پروردگرم! بواسطه آن تحیت و سلام، ای پروردگرم کرامت ما را افزون نما و قرار گاه

مُسْتَقَرَّةً لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا، وَ أَنْعِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ

او را برای ما محل اقامت و استقرار و مقامات قرار بده. پروردگار! نعمت خویش را برای ما با پیش فرستادن

إِيَّاهُ آمَانًا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَ مُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ

آن رهبر ما تمام فرما، تا این که ما را به بهشتت وارد نمایی و در زمره هم نشینان شهداء، از

خُصَاصَاتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ

بندگان خالصت جای دهی. خدایا! بر محمد و اهل بیتش درود بفرست و بر

عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَ عَلَى أَبِيهِ

محمد که جد حجت اوست، و رسول توست، آن رسولی که سرور بزرگتر است و بر پدرش که

السَّيِّدِ الْأَصْغَرِ وَ جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتَ

سرور کوچکتر است حضرت علی (ص) و بر جدش که بزرگترین راستگویان جهان است، یعنی فاطمه زهرا (س) دختر محمد (س) درود بفرست.

(۶۲)



مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةَ، وَ عَلَيْهِ

خدایا! درود بفرست، بر کسی که از پدران خوب و خوش رفتارش او را برگزیدی و خدایا! با

أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَتَمَّ وَ أَدْوَمَ وَ أَكْثَرَ وَ أَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

فضیلت‌ترین و کامل‌ترین و تمام‌ترین و بادوام‌ترین و بیشترین و زیادت‌ر از آن چه بر

أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِنِكَ، وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَلِّ عَلَيَّ

یکی از برگزیدگان و بهترین از آفریدهایت درود فرستادی، بر آن امام زمان درود و سلام بفرست.

صَلْوَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَ لَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ

خدایا! رحمت و درود بر او بفرست، درودی که پایانی برای شمارش آن نیست و انتهای برای همراهی و یاری آن نمی‌باشد و مدت آن

لَا مَدَّهَا، اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَ ادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ، وَ ادِلْ

درود آخر و سرانجامی ندارد. خدایا! حق را به وسیله امام زمان بقیه الله قوام و استحکام بخش و به واسطه او باطل را نابود فرما. و به برکت قدم

بِهِ أَوْلِيَائِكَ، وَ ادِّلْ بِهِ أَعْدَائِكَ وَ صِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ

او دوستانت را هدایت فرما و دشمنانت را ذلیل و خوار نما. خدایا! بین ما و او ارتباط برقرار نما،

وَ صِلَّهُ تُوَدِّيَ إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ

آن پیوندی و ارتباطی که منتهی به دوستی و مصاحبت با گذشتگانش گردد خدایا! ما را از کسانی که

يُحْجَزَتِهِمْ، وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ اعْنَا عَلَى تَأْدِيبِ حُقُوقِهِ دامنشان را می‌گیرند و در زیر سایه آنها توقف می‌کنند قرار ده، خدایا! ما را به سوی امام در جهت ادای حقوقش

(۶۳)

--	--	--

إِلَيْهِ، وَ الْأَجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَ اٰمْنُ

و کوشش در اجرای فرمان‌هایش و دوری از نافرمانی‌هایش فرما خدایا! نعمت و منت خود را

عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ، وَ خَيْرَهُ

به واسطه رضایت آن امام به ما عنایت فرما، خدایا! مهربانی و رحمت و بخشش و دعا و خیرات

مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِّنْ رَّحْمَتِكَ، وَ فَوْزًا عِنْدَكَ، وَ اجْعَلْ

و خوبی‌های آن امام را به ما هدیه فرما، تا به وسیله آن خوبی‌ها به توسعه‌ای از رحمت و پیروزی در محضرت نایل آیم. خدایا!

صَلَوْتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَ دُعَاءَنَا بِهِ به واسطه آن امام بر حق نمازهای ما را قبول و گناهان ما را آمرزیده و دعاها را ما را

مُسْتَجَابًا، وَ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَ هُمُومَنَا بِهِ

مستجاب فرما. خدایا! به وسیله فیض آن امام روزی ما را وسیع و غم و غصه‌های ما را

مُكْفِيَةً، وَ حَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَ أَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ

کفایت و نیازهایمان را برآورده فرما. خدایا! عنایت

الْكَرِيمِ، وَ أَقْبَلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَ أَنْظِرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ،

کریمانهات را به روی ما بگشا، و نزدیکی ما را به سوی خویش بپذیر. خدایا! بهمانظری رحیمانه فرما،

نَسْتَنْكُم بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بَجُودِكَ،

تا به واسطه آن عنایت، کرامت از محضرت را کامل نمایم. خدایا! آن نظر را از ما برمگردان،
(۶۴)



وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِكَاسِيهِ

و ما را از حوض جد آن امام بزرگوار که درود خدا بر او و اهل بیت اوست، به وسیله جامش
وَ بِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِعًا، لَا ظَمًا بَعْدَهُ
و به دست او سیراب فرما، سیرابی که گوارا و خوش طعم و تشنگی بعد از آن وجود نداشته باشد،
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
ای بخشندهترین و مهربانترین مهربانان در نظام وجود.
(۶۵)

(پروردگارا! همه دعاهای ما را که در تمام فرازهای این نیایش به زبان جاری کردیم، مستجاب فرما و عزت و معرفت به کام ما نازل فرما و ما را از رحمت بیکران خود در دنیاو آخرت
بهرمند فرما. پروردگارا! ما را به واسطه چتر رحمت و اسعه خویش از تمام گناهان و خطرات دینی، روحی و جسمی حفظ فرما.)

(۶۶)



(۶۷)



«طلوع سخن»

این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست
هر کجا می‌گذرم نور رخس جلوه مستانه اوست

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست
هر کجا می‌گذرم نور رخس جلوه گر است

آری نام و یاد حسین، عاشورا و کربلا و نینوای حسینی، آب فرات و تربت پاک آن سرزمین خون و شرف، شجاعت و شهامت، عزت و
بزرگواری، هجرت و شهادت، یادآور همه کمالات انسانی و جلوه همه اسماء و صفات حسناى الهی می‌باشد.

بله؛ اینجا خون خدا جلوه دیگری می‌نماید، تا آنجاکه همه انبیاء و ملائکه، عرشیان و فرشتگان از حضرت آدم ابوالبشر تا خاتم النبیین و همه
امامان علیهم السلام بر حق سخن از حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام بر زبان دارند.

و برای همیشه تاریخ نام و یاد و زیارت و توسل به آن حضرت را در تمام ایام سال برای همگان یادآور شده‌اند، تا انسانها در این سرای
به کمال انسانی خویش

(۶۸)

نایل گردند و در تمام ابعاد زندگی خویش او را الگوی تمام نمای شخصیت حقیقی خود قرار دهند.

او همه آنچه داشت و خداوند به او عطا نموده بود، از جان خویش تا فرزندان و اصحاب و یاران همه را نثار و ایثار نمود. لذا خداوند هر چه به
او و زائرین و شیعیانش عطا نماید، جا دارد.

امام باقر علیه السلام به علقمة بن محمد حضرمی فرمود؛ ای علقمه هر زمانی که سلام و دو رکعت نماز بجا آوردی. در اشاره به حضرت امام حسین علیه السلام زیارت عاشورا را بخوان، در این صورت دعا کردی به آنچه زائرین از ملائکه حضرت را زیارت کرده اند. پس خداوند برای تو هزار هزار درجه بنویسد و تو مثل کسی هستی که با امام حسین علیه السلام شهید شدی و در درجات با او شریک گردیدی و ثواب زیارت هر پیامبر و رسولی و ثواب زیارت تمام کسانی که حضرت را از روز شهادت تاکنون زیارت کرده اند، برای تو نوشته می شود.

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: هر کسی حضرت امام حسین علیه السلام را در دهم محرم

(۶۹)

زیارت نماید، تا نزد قبر آن حضرت گریان شود،

خداوند در روز قیامت با ثواب دو هزار حج و عمره و دو هزار جهاد که در خدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام باشد، ملاقات نماید،

حضرت فرمود: اگر بتوانی حضرت را به این زیارت (عاشورا) در خانه خود زیارت نمایی برای تو تمام این ثواب ها هست. (۱)

احسان زاهری

۱. نقل از مفاتیح الجنان

(۷۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده و مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای اباعبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا (ص)،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده او، سلام بر تو

يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ

ای فرزند رهبر و فرمانده مؤمنان و فرزند سرور جانشینان پیامبر، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سرور زنان جهان هستی، سلام بر تو

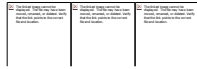
يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَثَرَ الْمُؤْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای کسی که از خون پاک تو و پدر بزرگوارت خداوند انتقام می گیرد و سلام بر تو

وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا

ای تنهایی تنها شده، سلام بر تو و ارواح پاکي که به آستانه تو وارد شدند، از جانب من تا

سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ



لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا

ای حسین، ای اباعبدالله، سوگ و عزای تو بزرگ است و مصیبتی که به تو وارد شد، بر همه ما

وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْأَسْلَامِ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ

و تمام مسلمین جهان بزرگ و عظیم است. مصیبت‌های تو در آسمان‌ها

فِي السَّمَوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

و بر همه ساکنین آسمان‌ها، (بر عرشیان و ملائکه الله) بزرگ و جلیل است. پس خداوند امتی را

أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ لَعَنَ

که پایه‌های ظلم و ستم را بر شما اهل بیت بنیان نهاد، از رحمت دور کرد، خداوند لعنت

اللَّهُ أُمَّةً دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَ أَزَّ النَّكْمُ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ

نمود، امتی را که مقام و مرتبه‌ای که مخصوص به شما گردانیده

الَّتِي رَبَّبْتُكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَ لَعَنَ اللَّهُ

بود، از شما گرفتند. خداوند امتی را که شما را کشتند و کسانی که

الْمُؤَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْأَتْمَكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ

امکانات و قدرت برای آن‌ها جهت کشتن شما آماده نمودند مطرود رحمت خویش قرار داد. اعلان وَ الْبَيْكُم مِّنْهُمْ، وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَانِهِمْ،
بیزاری از آن ظالمین و پیروان و اطاعت کنندگان و دوستانشان به محضر خداوند می‌نمایم.

(۷۲)



يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ

ای حسین (ع)! من تا روز قیامت در صلح و آشتی با کسانی هستم، که با شما چنین هستند و با

حَارَبْتُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ،

کسانی در جنگ و ستیزم که با شما در جنگند. خداوند خاندان زیاد و مروان را مطرود رحمت قرار داد. لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنَ مَرْجَانَةَ، وَ
لَعَنَ

دهد. و همه خاندان بنی امیه را لعنت نمود و فرزند مرجانه را خداوند از رحمت دور کرد. خداوند،

اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَ لَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

فرزند سعد و شمر را لعنت کرد و خداوند امتی را که اسب‌های دشمن را زین کردند و دهانه به دهان آسَرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا بِي أَنْتَ وَ أُمِّي
لَقَدْ

آنها انداخته و نقاب بستند برای جنگیدن با تو از رحمت طرد نمود. پدرم و مادرم به فدای تو باد،

عَظْمٌ مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ،

قطعا مصیبت من به واسطه تو بزرگ است، پس از خداوندی که مقامت را اکرام کرد

وَ أَكْرَمَنِي أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ

و به وسیله تو به من لطف نمود، درخواست می‌نمایم، که طلب خون تو را همراه فرماندهی امام

أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

یاری شده (امام زمان (عج)) از اهل بیت محمد روزیم نماید، خدایا! به وسیله

(۷۳)



عِنْدَكَ وَ جِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،

حضرت امام حسین (ع) در دنیا و آخرت در محضر خودت آبرو و شخصیتی برای من قرار بده

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ، وَ إِلَى

یا ابا عبدالله من تقرب می‌جویم به سوی خدا و رسولش و حضرت

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ، وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ عَلِي (ع) وَ فَاطِمَةَ (س) وَ إِمَامِ حَسَنِ (ع) وَ بِهِ مُحَضَّرٌ تُوِيَ حُسَيْنِ (ع) بِلَايَةِ وَ مَحَبَّتِ تَقَرَّبُ

بِمَوْلَاتِكَ، وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ،

می‌جویم. و به وسیله اعلان بیزاری از کسانی که تو را کشتند و جنگ را برای تو پایهریزی نمودند

وَ بِالْبِرَائَةِ مِمَّنْ أَسَسَ الظُّلْمَ وَ الْجَوْرَ عَلَيْكُمْ، وَ أَبْرَأُ

و به وسیله اعلان دشمنی و بیزاری از کسانی که پایه‌های ستم را بنا نمودند، و بیزاری می‌جویم،

إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَسَ أساسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ

به سوی خدا و رسولش، از کسانی که ستم را بر شما بنیانگزاری کردند، و از کسانی

بُنْيَانَهُ، وَ جَرَى فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ، که، ستم و ظلمشان را بر شما و پیروانتان روا داشتند. بیزاری می‌جویم و اعلان

بَرِنْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ

بیزاری از دشمنان و ظالمین به اهل بیت به محضر خدا

(۷۴)



بِمُؤَالَاتِكُمْ وَ مُوَالَاةِ وَلِيِّكُمْ، وَ بِالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ

و شما می‌نمایم. و به محضر خدا و سپس به حضور شما اهل بیت به واسطه دوستی و ولایتان و دوستی دوستانتان به شما تقرب می‌نمایم.

النَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَ بِالْبِرَائَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ

و به وسیله برانست دشمنان شما و کسانی که جنگ را پایهریزی کردند و به واسطه بیزاری از پیروان آنها به سوی خدا نزدیکی و تقرب

أَتَّبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ،

می‌جویم. به درستی که من با کسی در صلح هستم، که با شما در آشتی است و با کسی در جنگ هستم، که با شما در ستیز است. و من و ولی‌ی لمن والاکم، و عدو لمن عاداکم،

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي

دوست و یاور کسی هستم، که به شما محبت می‌ورزد. و دشمنی می‌نمایم، با کسی که با شما دشمنی می‌کند. از خداوندی که به واسطه اَکْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ، وَ رَزَقَنِي الْبِرَّ أَنَا

شناخت شما و دوستانتان به من اکرام نمود و بیزار از دشمنانتان را روزیم گردانید،

مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ أَنْ

در خواست می‌نمایم، که در دنیا و آخرت مرا با شما قرار دهد. (از خداوند می‌خواهم)

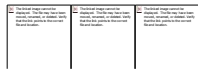
يُنَيْبَتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ أَسْأَلُهُ

قدم صداقت و ثبات قدم را در دنیا و آخرت برای من نزد شما ثابت و محکم نماید.

أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَنْ يَرْزُقَنِي

از خداوند می‌خواهم، که مرا به مقام پسندیده برای شما در محضر خویش برساند.

(۷۵)



طَلَبَ تَارِي كُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدَىٰ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَ

که طلب خون شما را همراه امامی که از خود شمامست (امام مهدی)، آن رهبری که هدایتگر و آشکار و گوینده به حق است، روزیم گرداند. و

أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

از خداوند به حق شما و به مقامی که برایتان نزد اوست، در خواست می‌نمایم، که به واسطه

بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَىٰ مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً مَا

مصیبت‌هایی که به خاطر شما به من وارد شده است. بالاتر از آن چه از جهت بلا و مصیبت عطا

أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتِهَا فِي الْإِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ

می‌کند. به من غایت نماید، مصیبتی که بزرگتر از آن‌ها نیست و بزرگترین مصائب در اسلام و در تمام آسمان‌ها

وَ الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ

و زمین‌ها است. خدایا! مرا در جایگاه این گونه قرار بده، تا در زمره افرادی باشم که از محضر تو به صلوات و رحمة و مغفرة، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا او درود و رحمت و آمرزش می‌رسد. خدایا! حیاتم را هم چون زنده بودن و زندگی

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

محمد و آلش قرار بده و مرگم را چون مردن آنها قرار بده. (که شهادت در راه خداست)

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَ ابْنُ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ،

خدایا! به درستی که این روز روزی است، که بنی‌امیه آن را جشن گرفتند و هم چنین فرزند خورنده جگرها،

(۷۶)

اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ	عَلَيْهِ وَ إِلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَ قَفَّ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى	اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَاسُفِيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ
---	--	---

اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ

لعنت شده فرزند مطرود شده رحمت الهی، لعنت شدگان بر زبان تو و زبان پیامبرت

عَلَيْهِ وَ إِلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَ قَفَّ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى

درود خدا بر او و خاندانش، در هر مکان و جایگاهی و توقف گاهی که رسولت (ص) در آن دیار درنگ **اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنِ أَبَاسُفِيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ**

بُن

می‌نماید. خدایا! ابوسفیان و معاویه و یزید فرزندان

مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الْأَبَدِينَ، وَ هَذَا يَوْمٌ

معاویه را لعنت کن لعنتی دائم و فراموش نشدنی. و این روز عشورا، روزی که

فَرِحَتْ بِهِ الْإِزْيَادِ وَ الْإِزْيَادِ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ

خاندان زیاد و مروان به کشتن امام حسین (ع) که درود خداوند بر او باد، خوشحال شدند.

اللَّهُ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَ الْعَذَابَ

خداوند! از جانب خویش لعنت و عذاب دردناک را بر آنها دو برابر فرما.

الْأَلِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي مَوْقِفِي

خدایا! به درستی که در این روز و در این موقعیت و

هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي، بِالْبُرَاةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،

در تمام زمان زنده بودم، با بیزارى از آنها و لعنت بر آنها

(۷۷)

وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ إِلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ	بِس	و بِهِ وَسَطَةَ مَحَبَّتِ بِبِامِيرْتِ وَ أَهْلِ بَيْتِ أَوْ كَهْ سَلَامِ بَرِ أَوْ وَ خَانْدَانَشِ بَادِ، بَهْ مَحْضَرِ تُو نَزْدِيكِي وَ تَقَرَّبِ مِي جَوِيْمِ.
--	-----	--

وَ بِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ إِلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و به واسطه محبت پیامبرت و اهل بیت او که سلام بر او و خاندانش باد، به محضر تو نزدیکی و تقرب می‌جویم.

مِي گُوبِي صَدِ مَرْتَبَهْ **اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ**

خدایا! اولین ظالمی که بر محمد و آل محمد (ص) ستم نمود و

وَ إِلِ مُحَمَّدٍ، وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ الْعَنِ

دیگرانی که در این ظلم از او پیروی کردند، لعنت کن و آنها را از رحمت خویش دور نما. خدایا!

الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنِ، وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ

بر گروهی که با امام حسین (ع) جنگیده و همراهی نمودند و بیعت کرده

وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً، بَسِ مِي گُوبِي صَدِ

و پیروی بر کشتن حضرت نمودند، لعنت فرست. خدایا! بر همه آنها لعنت نما.

مَرْتَبَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي

سلام بر تو ای حسین بن علی و سلام بر جان‌هایی که در آستانه فدا شدند.

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ

از جانب من برای همیشه تا زمانی که زنده‌ام و شب و روز باقی است، سلام و درود بر تو باد.

اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ،

خداوند آن سلام را آخرین عهد و ارتباط از جانب من جهت زیارت شما قرار ندهد.

(۷۸)

سوره بقره آیه ۱۷۷	سوره بقره آیه ۱۷۷	سوره بقره آیه ۱۷۷
-------------------	-------------------	-------------------

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ، وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَ عَلَى

سلام بر حسین (ع) و بر علی اکبر و بر همه

أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ بِسْمِ اللَّهِ

فرزندان و یاران حسین باد. خدایا!

خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَ أَبَدًا بِهِ أَوْلَا ثُمَّ الثَّانِي

از طرف من لعنت را به اولین ظالم اختصاص بده و سپس آن لعنت را از اولی شروع نما و سپس دومی

وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَ الْعَنْ

و سومی و چهارمی را مطرود رحمتت قرار بده. خدایا! یزید بن معاویه را به عنوان پنجمی لعنت نما

عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْرًا

و عبیدالله بن زیاد و پسر مرجانه و عمر فرزند سعد و شمر بن ذوالجوشن

وَ الْ أَبَى سُفْيَانَ وَ الْ زِيَادِ وَ الْ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

و خاندان ابوسفیان و زیاد و مروان را تا روز قیامت لعنت نما.

بِسْمِ اللَّهِ مِ رُوحِي وَ مِ رُوحِي اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ

خدایا! ستایش و حمد شاکرین

لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْيَتِي، اللَّهُمَّ

بر مصیبت‌های آنها منحصر برای توست، ستایش و حمد بر بزرگی عزایم برای خداست. خدایا!

(۷۹)

سوره بقره آیه ۱۷۷	سوره بقره آیه ۱۷۷	سوره بقره آیه ۱۷۷
-------------------	-------------------	-------------------

ارزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ

شفاعت و وساطت حسین را در روز ورود به قیامت روزیم نما. خدایا! مرا در

صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ، وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ

پیشگاهت همراه با امام حسین (ع) و یارانش ثابت قدم و استوار نما،
بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
(کسانی که جان‌های خویش را نزد امام حسین (ع) قربانی و ایثار نمودند).
(۸۰)

حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمود:

«أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى؛ مَنْ كَشْتَهُ سَخْتِي هَا وَ سَتْمَهَا هَسْتُمْ، مُؤْمِنِي مَرَا يَادُ نَمِي كُنْد، مَكْرَ اَيْنَكِهْ اَشْكُ
می‌ریزد.»

آری؛ مظلوم کربلا و نینوا، شهید دل‌ها و اشک‌ها است، یعنی انسان‌ها باید با تمام وجودشان او را یاد کنند، تا گوشه ایی
از حقش را ادا نمایند.

(بحار، ج ۴۴، ص ۲۷۹).

(۸۱)

(۸۲)

(۸۳)

تکیه به خدا

جز یاد خدا هیچ دگر کار نداریم	ما در دو جهان غیر خدا یار نداریم
حاجت به می و خانه خمار نداریم	ما مست صبحیم ز میخانه توحید
دینار چه باشد، غم دینار نداریم	در روی زمین چون دل ما گنج معانیست
بر سر هوس جبه و دستار نداریم	مانیم و گلیم و نمد کهنه و کُنْجی
هر رهگذری سنگ زند عار نداریم	ما شاخ درختیم پر از میوه توحید
ما یار بجز حضرت غفار نداریم	گر یار وفادار نداریم ولیکن
از دوست بجز وعده دیدار نداریم	بشنو ز دل زنده شمس الحق تبریز

شمس تبریزی

(۸۴)

آغاز سخن

توسل و ارتباط، طلب شفاعت و قرار دادن واسطه فیض به محضر حضرت رب العالمین، یکی از اعمال شایسته و مطلوبی است، که عقل و
شرع آن را تأیید و تحسین می‌نمایند، چون خاصان و مقربان درگاه الهی که آبروی بیشتری در نزد خدای تعالی دارند، تا آنجا که ولایت در
تکوین و تشریح برای آنان محقق است، لذا ما حقیران و گنه کاران، ضعیفان و مسکینان، آن انوار الهی را به درگاه ربوبیت واسطه قرار
می‌دهیم. عالمان و عارفان الهی هر چه به دانششان افزوده می‌شود، تواضع آنان و شیرینی زیارت و ارتباط با آن انوار الهی را بیشتر می
چسند، آنان گاهی با اشک شوق و بار دیگر با اشک غم و شرم و حیا در محضر آن امامان نور کسب فیض می‌نمایند، در کشف و شهود خویش به
مراحل از کمالات می‌رسند، که کراماتی را آن کریمان مشمول روح و جان خویش می‌کنند، تا آن جا که اندیشه و نفس خود را از جام شراب
ناب آنان سیراب می‌نمایند.

حال جوانان و انسان‌هایی که می‌خواهند روند حق‌گرایی و روشن‌ضمیری را

(۸۵)

طی نمایند، باید این ارتباطها و توسلها را جزء برنامه‌های زندگی خویش قرار دهند.

علامه مجلسی (ره) فرمود: در بعضی کتب معتبر از محمد بن بابویه قمی؛ نقل کرده‌اند که این دعای توسل را از ائمه روایت کرده است. و فرموده در هیچ امری نخواندم، مگر آن که اثر اجابت آنرا بزودی یافتم. (نقل از مفاتیح الجنان)

(احسان‌زاهری)

(۸۶)

مهدی جان

که من گدایم و هستی تو شاه مهدی جان
نگشت حاصل من غیر آه مهدی جان
نشستم به امید نگاه مهدی جان
بود بسوی جناب تو راه مهدی جان
بصدق گفتم هستی گواه مهدی جان
ز مرحمت به من رو سیاه مهدی جان

مرا به غیر تو نبود مهدی جان
در انتظار تو شاه گذشت عمر عزیز
شما فقیرم و مسکین و بر سر راهت
من عاشقم که ببینم جمال تو آیا
شما محب تو و دشمن عدوی توام
بحق حرمت اجداد خود نما نظری

(۸۷)

نمودم همه عمر اشتباه مهدی جان
ز نامه‌ام اثرات گناه مهدی جان
طلب نما فرجت از اله مهدی جان
رها شود زغم از آن نگاه مهدی جان

خمیده پشت من از بار معصیت شاها
امیدوار چنانم که لطف تو شوی
بحق محسن در خون طیبیده زهرا
اگر کنی سوی طاهائی از وفا نگهی

(طاهایی)

(۸۸)

صاحب زمان (عج)

مصلح عالم ولی حی سبحان می‌رسد
گر خدا امری کند آنگه شتابان می‌رسد
از دهان درفشانش صوت قرآن می‌رسد
بهر اجرا مجری احکام بزدان می‌رسد
روزگاری آن پناه بی پناهان می‌رسد
آن طبیب ما مریضان بهر درمان می‌رسد
شیعیان! صاحب زمان روزی فروزان می‌رسد

غم مخور روزی ولی و قلب امکان می‌رسد
در پس پرده بود در انتظار امر حق
تکیه بر دیوار کعبه می‌دهد محبوب حق
چون نمی‌گردد عمل دستور قرآن در جهان
داد مظلومان بگیرد او ز ظالم‌ها بسی
ما مریضیم و دوائی نیست بر درمان ما
(منتظر) در انتظار مصلح عالم بود

(محمد آخوندی «منتظر»)

(۸۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده و مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

خدایا از تو می‌خواهم، و به سوی تو روی می‌آورم به واسطه پیامبرت که نبی رحمت

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

محمد (ص) است. ای ابوالقاسم! ای رسول خدا!

يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

ای حجت خدا بر آفریده‌اش! ای سرور ما! ای مولای ما! ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا،
و به وسیله تو دست به دامن خداوند شدیم و حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم،

يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ

ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابالحسن علی بن ابیطالب!

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

ای امیرالمؤمنین! ای حجت خدا بر خلقش!

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا

ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم
(۹۰)



بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

و به وسیله تو به درگاه خدا التماس نمودیم و حاجاتمان را در محضر تو عرضه نمودیم، ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ

درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای فاطمه زهرا! ای دختر

مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا

پیامبر خدا! ای چشم روشنی پیامبر! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و به وسیله تو دست به دامن خداوند شدیم و يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا
حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم، ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن.

أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ

ای ابا محمد! ای حسن بن علی، ای امام مجتبی! ای فرزند رسول خدا!

اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر خلقش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم

وَاسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

و طلب شفاعت نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا تقاضا نمودیم و حاجاتمان را در محضر

(۹۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

حاجاتنا، یا وجیهاً عندالله، اشفع لنا عندالله، یا ابا

تو عرضه نمودیم، ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابا

عبدالله یا حسین بن علی، ایها الشهید یا بن رسول الله،

عبدالله! ای حسین فرزند علی علیهماالسلام! ای شهید راه خدا! ای فرزند رسول خدا!

یا حجة الله على خلقه، یا سیدنا ومولینا، انا توجهنا

ای حجت خدا بر آفریداش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم

واستشفعنا و توسلنا بك الى الله، و قدمناك بين يدي

و طلب شفاعت نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا تقاضا نمودیم و حاجتتمان را به

حاجاتنا، یا وجیهاً عندالله، اشفع لنا عندالله، یا ابا الحسن

محضر تو عرضه کردیم، ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابوالحسن!

یا علی بن الحسين، یا زین العابدین یا بن رسول الله، یا

ای علی فرزند حسین (ع)! ای زینت بخش عبادت کنندگان و ای فرزند رسول خدا! ای

حجة الله على خلقه، یا سیدنا ومولینا انا توجهنا

حجت خدا بر خلقش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم

واستشفعنا و توسلنا بك الى الله، و قدمناك بين يدي

و طلب شفاعت نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا التماس نمودیم و حاجتتمان را به

(۹۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

حاجاتنا یا وجیهاً عندالله، اشفع لنا عندالله، یا ابا جعفر یا

محضر تو عرضه کردیم، ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای اباجعفر!

محمد بن علی، ایها الباقر یا بن رسول الله، یا حجة الله

ای محمد فرزند علی علیهماالسلام! ای شکافنده علوم! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا

على خلقه، یا سیدنا ومولینا، انا توجهنا واستشفعنا و

بر آفریداش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت

توسلنا بك الى الله، و قدمناك بين يدي حاجاتنا، یا

نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا التماس نمودیم و حاجتتمان را به محضر تو عرضه کردیم، ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ

أبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای اباعبدالله! ای جعفر فرزند

مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

محمد (ص) ! ای راستگوی آل محمد! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

خلقش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و

بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

به وسیله تو به درگاه خدا خواهشمندیم و حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم ، ای ابرومند

(۹۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ

درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابالحسن (ای ابو ابراهیم)! ای موسی فرزند

جَعْفَرَ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

جعفر (ع) ! ای فروبرنده (خشم‌ها)! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

آفریده‌اش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت

بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا التماس نمودیم و حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم ، ای

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ

ابرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابالحسن! ای علی فرزند

مُوسَى، أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

موسی (ع) ! ای راضی (به رضای خدا)! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا نُوَجِّهُنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

بر خلقش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت

بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

نمودیم و به وسیله تو دست به دامن خداوند شدیم و حاجاتمان را در محضر تو عرضه نمودیم، ای

(۹۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
---------------------------------------	---------------------------------------	---------------------------------------

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،

آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابا جعفر! ای محمد فرزند علی (ع)!

اَيُّهَا النَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

ای اهل جود و بخشش! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر آفریدهاش!

خَلْفِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و به

بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

وسيله تو به درگاه خدا تقاضا نمودیم و حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم، ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابالحسن! ای علی فرزند محمد (ص)!

اَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

ای هدایت کننده (راه خدا)! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر

خَلْفِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

خلفش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا
به وسیله تو به درگاه خدا التماس نمودیم و حاجاتمان را در محضر تو عرضه نمودیم، ای آبرومند

(۹۵)

--	--	--

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای ابا محمد! ای حسن فرزند علی (ع)!

اَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ

ای نفس پاک و پاکیزه! ای عسکری! ای فرزند رسول خدا! ای حجت خدا بر خلفش!

خَلْفِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا

ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب شفاعت نمودیم و به

بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا

وسيله تو دست به دامن خداوند شدیم و حاجاتمان را به محضر تو عرضه کردیم، ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَ الْخَلْفَ

درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن. ای جانشین حضرت امام حسن (ع)! ای جانشین

الْحُجَّةَ، اَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا

حجت خدا! ای قیام کننده‌ای که مورد انتظار و هدایتگر (انسانها) هستی! ای فرزند رسول خدا! ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

حجت خدا بر آفریده‌اش! ای سرور ما! ای مولای ما! به درستی که ما به سوی تو روی آوردیم و طلب

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

شفاعت نمودیم و به وسیله تو به درگاه خدا تقاضا نمودیم و حاجاتمان را در محضر تو عرضه
(۹۶)



حاجاتنا، يا وجيها عند الله، اشفع لنا عند الله، پس حاجات خود را

نمودیم، ای آبرومند درگاه خدا! در پیشگاه الهی برای ما شفاعت کن.

که انشاءالله برآورده میشود، طلب نمایید، و بعد از این بگوید: يا سادتی و ای سرورانم! ای آقایانم!

مَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَ عُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَ

بدرستی که به واسطه شما پیشوایانم و ذخیره‌هایم جهت روز نداریم

حاجتي إلى الله، و توسلت بكم إلى الله، و استشفعت

درخواستهایم را به محضر خدا، آوردم به واسطه شما دست به دامن خدا شدم و طلب شفاعت به بکم إلى الله، فاستشفعوا إلى عند الله، و استشفذوني من دنوبي
محضر الهی نمودم، پس در پیشگاه خداوند برایم شفاعت نمایید و مرا در نزد خداوند از گناهانم

عند الله، فانكم وسيلتي إلى الله، و بحبكم و بقر بكم

نجات بخشید. همانا شما وسیله من به محضر خداوند هستید و به واسطه محبت و نزدیکی به شما

أَرْجُو نَجَاةً مِنْ اللَّهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي، يَا سَادَتِي يَا

امیدوار به نجات یافتن از جانب خداوند هستم، پس شما امید و آرزوی من در پیشگاه خداوند هستید. ای

أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ لَعَنَّ اللَّهُ

سرورانم! ای دوستان خدا! خداوند بر همه آنها درود می‌فرستد و خداوند

(۹۷)



أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ،

دشمنان خود را از آنانی که به محمد و آل محمد بستم نمودند، از اولی تا آخری، لعنت نمود.

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

ای پروردگار جهانیان! اجابت نما.

(۹۸)

حضرت رسول اکرم (ص) فرمود:

«إِنَّ أَعَجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ؛ ناتوان‌ترین افراد کسانی هستند که از نیایش الهی عاجزند».

بحار الانوار: ج ۹۳/ص ۲۹۱

(۹۹)

حضرت علی (ع) فرمود:

«الدُّعَاءُ مِفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ»
«دعا کلیده‌های نجابت بخش و کلیده‌های
پیروزی (در تمام جنبه‌ها برای بشریت)
است.»

بحار الانوار: ج ۹۳/ص ۳۴۱

حضرت علی (ع) فرمود:

«الدُّعَاءُ مَصَابِيحُ النَّجَاحِ وَ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ»
«نیایش با خداوند چراغ‌های نجاتبخش و
و کلیده‌های رحمت الهی است.»

بحار الانوار: ج ۹۳/ص ۳۰۰ و ۳۹۰

(۱۰۰)

(۱۰۱)

(۱۰۲)

(۱۰۳)

(۱۰۴)

آغاز سخن

دعای سمات که طبق نقل مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی محدث بزرگ (رضوان الله تعالی علیه) از نائب دوم امام زمان محمد بن عثمان عمروی نقل شده و هم چنین از امام باقر و صادق علیهما السلام در کتب معتبر شیعه روایت شده است، بزرگان اصحاب مواظبت در احیای این نیایش داشته‌اند.

امید است همه عاشقان طریق حق از مضامین و معانی عالیه این جملات نورانی کسب فیض نموده و خویشتن خویش را در سرای شناخت و معرفت، ایمان و تقوا، بازسازی نموده و نفس خویش را به نورانیت این معانی منور و وجودمان را با اسماء و صفات حسناى الهی زینت بخشیم^(۱).

خدایا! ما را از شیرینی یاد و مناجات و معرفت و عبادت و شکر محروم مفرما. «الهِیْ اَنْقِئْ خَلَاوَةَ ذِكْرِكَ؛ بارها! شیرینی یادت را به من بچشان».

امید است، در ترجمه توانسته باشیم قطره‌ایی از دریای بیکران معارف الهی را بیان کنیم

احسان زاهری

۱. اگر انسان در اندیشه و عمل به صفات و اسماء حسناى الهی عارف و عالم گردد و آن‌ها را در زندگی رفتاری تحقق بخشد، آن گاه ارزش متعلق شدن به اخلاق الهی را خواهد یافت.

(۱۰۳)

«اگر می‌خواهی با خدا سخن بگویی، دعا بخوان
و اگر می‌خواهی خدا با تو سخن بگوید، قرآن
بخوان.»

(۱۰۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده و مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَعْجَلِّ

خدایا! به درستی که من به حق نامت که بزرگ و بزرگترین، عزیزترین، جلیلترین و بزرگوارترین

الْأَكْرَمِ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ

است. از تو درخواست می‌نمایم. خدایا! به آن نامی که وقتی با آن بر درب‌های بسته آسمانها برای لِفْتَحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَصَابِقِ گشوده شدن خوانده شدی به واسطه رحمت باز گردید. خدایا! به نامی که در هر زمانی بر تنگی و أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى بسته بودن درب‌های زمین برای گشایش خوانده شدی. آنها باز شد و زمانی که به واسطه آن

الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ

اسم بر سختی‌ها برای آسانی خوانده شدی، همه آنها آسان گردید. و وقتی که به وسیله آن اسماء بر مرده‌ها

لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبِأْسَاءِ وَ

برای زنده شدن خوانده شدی، همه زنده و منتشر گردید. و خدایا! زمانی که با آن اسم بر حل الضَّرَّاءِ انكشفت، وَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ سختی‌ها و زیان‌ها خوانده شدی، همه بر طرف گردید. خدایا! قسم به بزرگی روی کریمانه‌ات
(۱۰۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْوُجُوهِ، وَ أَعَزُّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَ خَضَعَتْ

که بزرگوارترین چهره‌هاست و عزیزترین آبروهاست، که همه چهره در مقابل آن ذلیل هستند و همه

لَهُ الرِّقَابُ، وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ

گردن‌ها برای او خاضع‌اند و صداها برای او خاشع‌اند و دلها برای او از ترس تو لرزان است،

مِنْ مَخَافَتِكَ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

خدایا! قسم به قدرتی، آن نیرویی که آسمان‌ها را به انفتاد، از این که

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ، وَ تُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ

بر روی زمین واقع گردد، نگه داشته است، و به حق قوتت که آسمان‌ها و زمین را

تَزُولَا، وَ بِمَشِيئَتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ، وَ بِكَلِمَتِكَ

از نابودی حفظ می‌نماید. خدایا! قسم به خواسته و اراده‌ات، که جهانیان در مقابل آن خوار و ذلیل هستند.

الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَ بِحِكْمَتِكَ الَّتِي

خدایا! قسم به کلمات و علوم و آیات و معجزاتت که بوسیله آن آسمان و زمین را آفریدی.

صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ، وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَ جَعَلْتَهَا لَيْلًا

قسم به دقت در آفرینش که همه شگفتی‌ها را آفریدی و به وسیله آن تاریکی را خلق کردی و آن را

وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكْنًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهَارًا،

شب قرار دادی و شب را وسیله آرامش و آسایش قرار دادی. خدایا! قسم به حکمت که نور را بوسیله آن
(۱۰۶)



وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ

آفریدی، و آن را روز قرار دادی و روز را به عنوان گسترش و بینایی قرار دادی، پروردگارا! و به واسطه آن حکمت خورشید را آفریدی

جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ

و آن خورشید را روشنایی قرار دادی و به وسیله آن ماه را خلق نمودی و آن

الْقَمَرَ نُورًا، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَ جَعَلْتَهَا نُجُومًا، وَ

ماه را نور شب قرار دادی، خدایا! قسم به حکمت که به واسطه آن ستاره‌ها و کیهان‌ها را آفریدی و

بُرُوجًا وَ مَصَابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا، وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ

آنها را به عنوان ستاره‌ها، برج‌ها و چراغ‌ها و زینت آسمان‌ها و راندن شیاطین و دشمنان قرار دادی، خدایا! برای آن کواکب مشرق‌ها مغارب، و جَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ مَجَارِيَ
وَ جَعَلْتَ لَهَا فَلَكَا

و مغرب‌ها قرار دادی، برای آنها محل طلوع و مسیر حرکت قرار دادی، برای آنها محل دوران و چرخش و شنا و حرکت قرار دادی.

وَ مَسَابِحَ، وَ قَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا

خدایا! برای ستارگان و سیارگان در اعماق آسمان‌ها منزل‌ها مشخصی مقدر فرمودی: پس به زیباترین تقدیر انداز مگیری نمودی و شکل و صَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَ
أَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ

ظاهری و نقشه ارتباطی و چین آن‌ها را به زیباترین هیئت ترسیم نمودی. خدایا! آن اجرام آسمانی را با نام و صفات زیباییت

إِحْصَاءً، وَ دَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَ أَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا،

بنحوی خاصی نگه داشته و حفظ نمودی. و با حکمت و دقت کامل خود آنها را اداره نمودی و مدیریت آن کواکب را زیبا تحقق بخشیدی.

(۱۰۷)



وَ سَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ، وَ السَّاعَاتِ وَ

خدایا! با مسلط شدن شب و روز و ساعت‌ها و

عَدَدِ السَّنِينَ وَ الْحِسَابِ وَ جَعَلْتَ رُؤْيَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ

شمارش سالها و حساب، آن ستارگان را رام نمودی و دیدن ستارگان را برای همه مردم

مَرِيٍّ وَاحِدًا، وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ

یکنواخت قرار دادی. خدایا! قسم به بزرگیت که

عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي

بابنده و رسولت حضرت موسی (ع) فرزند عمران در

الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّنَ فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ

میان عرشیان و قدسیان که بالاتر از احساس فرشتهگان است و بالاتر از ابرها نوری

فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَ

و فوق صندوق شهادت، در ستونی از آتش و در کوه طور در صحرای سینا و

فِي جَبَلِ حُورَيْثٍ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ

در کوه حوریت در سرزمینی مقدس در اطالی مبارک در

الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ،

طرف راست کوه طور از میان درختی تجلی نمودی و با پیامبرت سخن گفتی، (از تو می‌خواهم).

(۱۰۸)



وَ فِي أَرْضِ مِصْرَ بِنِسْعِ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ، وَ يَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي

خدایا! به بزرگیت قسم که در سرزمین مصر با نه معجزه و نشانه‌های روشن و روزی که برای بنی

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَ فِي الْمُنْبَجِسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا

اسرائیل دریا را شکافتی و در چشمه‌های جوشانی که

الْعَجَائِبِ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَ عَفَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ

شگفتی‌ها را در دریای سوف آفریدی، خدایا! قسم به مجد و عظمتت که آب دریا را در

الْعُمَرِ كَالْحِجَارَةِ، وَ جَاوَزْتَ بِنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ،

دل امواج چون سنگ محکم نمودی و بنی اسرائیل را از روی دریا عبور دادی،

وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَ أَوْرَثْتَهُمْ

خدایا! کلمات زیبای تو بر آن قوم موسی بواسطه مقاومت و صبرشان تمام گردید و آنها را وارث

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ،

مشرق‌ها و مغرب‌های زمینی گردانیدی، که در آنها برای جهانیان برکت و خیرات قرار دادی.

وَ أَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ وَ مَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَ بِاسْمِكَ

فرعون و لشکرش و سوارهایش را در امواج دریا غرق نمودی، خدایا! به حق نامت

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَعْجَلِ الْأَعْزَمِ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي

که بزرگ و بزرگتر، عزیزتر، جلیل‌تر و بزرگوارتر است، و بحق بزرگیت که به

(۱۰۹)

سوره ابراهیم	سوره اسحاق	سوره یوسف
--------------	------------	-----------

تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَىٰ كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ،

وسيله آن بر حضرت موسی علیه السلام ، که سخن‌گوی توست. در سرزمین سینا ظاهر گشتی،

وَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ

خدایا! قسم به آن نامی که برای حضرت ابراهیم (ع) دوستت قبل از حضرت موسی (ع) در مسجد

الْخَيْفِ، وَ لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعٍ، وَ

خیف منی و برای حضرت اسحاق (ع) برگزیده‌ات در چاه شیعی و

لِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إيلِ، وَ أَوْفَيْتَ

برای حضرت یعقوب (ع) پیامبرت در خانه ایل ظاهر گشتی، خدایا! قسم به آن اسمی که

لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ، وَ لِإِسْحَاقَ بِحَلْفِكَ، وَ

برای حضرت ابراهیم (ع) به عهدهت و برای حضرت اسحاق (ع) به قسم خویش و

لِيعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَ لِلدَّاعِينَ

برای حضرت یعقوب (ع) به شهادتت و برای مؤمنین به وعده‌ات وفا نمودی و برای خوانندگان

بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَىٰ بْنِ

به اسماء و صفات حسنیات پاسخ مثبت دادی، خدایا! با عزت قسم، که برای حضرت موسی (ع)

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ، وَ بِآيَاتِكَ الَّتِي

بر صندوق انار ظاهر شد. و به نشانه‌هایت که

(۱۱۰)

سوره ابراهیم	سوره اسحاق	سوره یوسف
--------------	------------	-----------

وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ، بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْعُلْبَةِ بِآيَاتِ

در سرزمین مصر واقع شد، خدایا! قسم به بزرگی با عزت و به پیروز شدن با آیات

عَزِيزَةٍ، وَ بِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَ بِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَ بِشَأْنِ الْكَلِمَةِ

بزرگ و به تسلط نیرو و به بزرگی قدرت و به مقام سخنان تمام

التَّامَّةِ، وَ بِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ

و به سخنانت که به وسیله آنها بر اهل آسمان‌ها

وَ الْأَرْضِ، وَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَهْلِ الْآخِرَةِ، وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي

و زمین و اهل دنیا و آخرت بخشش و تفضل نمودی، خدایا! قسم به رحمتت که

مَنْذَتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ

به واسطه آن بر تمام آفریده‌هایت بخشش نمودی و قسم به توانایت که جهان

بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ بِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ

هستی را به وسیله آن برپا نمودی، خدایا! به نورت قسم که طور

سَيْنَاءَ، وَ بِعِلْمِكَ وَ جَلَالِكَ وَ كِبْرِيَانِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ

سینا از ناله و شیون حضرت موسی به خاک افتاد و به دانش و جلالت و به بزرگی کبریائیت و عزت و

جَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلِّهَا الْأَرْضُ، وَ انْخَفَضَتْ لَهَا

جبروتت که زمین بدون آن‌ها ثابت و استقراری ندارد، و آسمانها

(۱۱۱)

وَأَسْمَانَهَا	وَأَسْمَانَهَا	وَأَسْمَانَهَا
----------------	----------------	----------------

السَّمَوَاتِ، وَ أَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَ رَكَدَتْ لَهَا

برای آن‌ها کرنش نمودند و اعماق بزرگ زمین فریاد کشید و

الْبِحَارُ وَ الْأَعْنَهَارُ، وَ خَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ، وَ سَكَنَتْ لَهَا

دریاها و رودخانه‌ها برای آنها متوقف گردید، و خدایا! قسم به آن نامه‌ایت که کوهها برای آن خاضع گردید

لِأَرْضِ بَمَنَّاكِبِهَا، وَ اسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَ خَفَقَتْ

و زمین در مقابل آن جلال و جمال با آن چه در پشت خود داشت بی حرکت ماند، آسمانت که لها الرياح في جريانها، و خمدت لها النيران في
آفریده‌های الهی در مقابل آن تسلیم شدند و بادها در مسیر حرکت خود پریشان گردیدند،

أُوطَانِهَا، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةُ دَهْرَ

و آتش‌ها و نورها در جایگاه خویش خاموش گشتند، خدایا! قسم به سلطنتت که به واسطه آن،

الدُّهُورِ، وَ حُمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنِ، وَ

در جهان هستی پیروزی برای تو شناخته شد. و به وسیله حکومتت در آسمان‌ها و زمین که

بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِإِبْنِنَا أَدَمَ عَلَيْهِ

مورد ستایش واقع شدی، خدایا! قسم به سخنانت، آن کلام صادقانه‌ایی که برای پدر ما حضرت آدم و

السَّلَامُ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ، وَ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي

فرزندان او به واسطه رحمت سبقت گرفت، خدایا! از تو درخواست می‌نمایم، به کلماتت که

(۱۱۲)

وَأَسْمَانَهَا	وَأَسْمَانَهَا	وَأَسْمَانَهَا
----------------	----------------	----------------

عَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ

بر همه چیز مسلط و پیروز است خدایا! قسم به نور جمالت که به واسطه آن بر کوه

فَجَعَلْتَهُ دَكَّاءَ وَ خَرَّ مُوسَى صَعِفًا، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ

ظاهر شدی، پس آن سنگ کوه را کوبیدی و حضرت موسی در حال غش به زمین افتاد، خدایا! قسم به مجدت که

عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ، فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

بر صحرای سینا آن دیار مقدس ظاهر شد، پس تو به واسطه آن با بنده و رسولت حضرت موسی (ع)

عِمْرَانَ، وَ بَطَّلَعْتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلٍ

فرزند عمران سخن گفتی، خدایا! قسم به نور افشائیت در ساعیرو به ظهورت در کوه

فَارَانَ، بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَ جُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ، وَ

فاران خدایا! قسم به مردم و جماعت پاکان و لشکر به صف کشیده شده فرشتگان و

خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ، وَ بَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ

به تواضع فرشتگانی که تنزیه گویانند، خدایا! قسم به برکاتت که بر

فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ

حضرت ابراهیم (ع) دوستت در میان امت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةٍ

برکت دادی، خدایا! قسم به برکاتت که برای برگزیده‌ات حضرت اسحاق در امت

(۱۱۳)



عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ بَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ فِي

حضرت عیسی برکت عطا نمودی، بارها! به برکاتت که برای حضرت یعقوب سیر دهنده‌ات و بنده خاصت

أُمَّةٍ، مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَ بَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ

در میان امت موسی برکت دادی، خدایا! قسم به برکاتت که برای دوستت حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي عَنْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ، اَللَّهُمَّ وَ

در میان عنرت و اهل بیئت (ع) و فرزندان و امتش برکت کرامت نمودی، خدایا!

كَمَا غَيْبًا عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ تَشْهَدْهُ وَ آمَنَّا بِهِ وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَ

چنان چه ما در زمان حوادث و معجزات غایب بودیم و حضور شاهدانه در کنار حوادث نداشتیم، آن‌ها را ندیدیم، اما از روی صداقت و

عَدْلًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُبَارِكَ

عدالت به آن‌ها ایمان آوردیم. الهی بر محمد و آلش درود بفرست.

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا! بر محمد و آل محمد برکت کرامت فرما و بر محمد و آلش رحم کن،

مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ

بہتر از آن چه درود و برکت و رحمت بر

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ،

حضرت ابراهیم و اهل بیت او فرستادی. خدایا! به درستی که تو پسندیده‌ای بزرگ هستی، آن چه را اراده نمودی، انجام دهنده‌ای،
(۱۱۴)

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ	مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ	إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ،
--	---	--

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، «پس حاجات را یاد نما و بگو» اَللَّهُمَّ بِحَقِّ

و تو بر هر کاری قدرتمندی.
بارالها! به حق

هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ

این دعا و نام‌هایی که تفسیر و تشریح و باطن و عمق و

لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ

معانی آن‌ها را کسی غیر از تو نمی‌داند. درود بر محمد و آلش بفرست.

أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَ اغْفِرْ لِي

خدایا! با من برخوردی نما که لایق خودت می‌باشد و خدایا! نسبت به من برخوردی که شایسته آن منم. دُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ وَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ

هستم، نما. خدایا! گناهان گذشته و آینده‌ام را ببخش. خدایا! روزی حلال خود را بر

رِزْقِكَ، وَ اكْفِنِي مَوْنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ جَارٍ سَوْءٍ، وَ قَرِينِ

من گسترش بده. بارالها! مرا در مقابل انسان‌های بد و همسایه بد و هم‌نشین

سَوْءٍ وَ سُلْطَانِ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلَى مَا نَشَاءُ قَدِيرٌ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ

و رفیق بد و حاکم بد کفایت نما، خدایا! به درستی که بر آن چه بخواهی قدرت داری و به هر

عَلِيمٌ، امِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، مولف می‌گوید که در بعضی نسخ است بعد از

چیزی آگاهی، ای پروردگار جهان هستی اجابت نما.

(۱۱۵)

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ	مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ	إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ،
--	---	--

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، که هر حاجت داری ذکر کن و بگو یا اللَّهُ يَا

ای خدا، ای بخشنده، ای نعمت دهنده،
ای خالق

حَتَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، علامه مجلسی نقل کرده بعد از دعای سمات

آسمان‌ها و زمین، ای صاحب جلال و کرامت

این را بخوانید: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي

ای مهربانترین مهربانان جهان هستی.

خدایا! به حق این دعا و به حق این نام‌هایی که

لا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا، وَ لَا تُؤَيِّلُهَا وَ لَا بَاطِنَهَا وَ لَا ظَاهِرَهَا

تشریح و توضیح و تفسیر و عمق و درون و ظاهر و برون آن‌ها را

عَيْرُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَرْزُقَنِي

جز تو نمی‌داند، بر پیامبر و اهل بیت او درود بفرست و بهترین خوبی‌های

خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. پس حاجات خود را بطلب و بگوید وَ أَفْعَلْ بِي مَا

دنیا و آخرت را نصیبم فرما.
خدایا! نسبت به من

أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، وَ أَنْتَعِمَ لِي مِنْ فُلَانٍ

آن چه لایقی برخوردار نما، و نسبت به من آنچه شایسته آن هستم، برخوردار نما و برای من از فلانی
(۱۱۶)

عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي، دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي»	عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي، دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي»	عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي، دَعَا لِي بِحَقِّ دُعَائِي»
---	---	---

بَيْنَ فُلَانٍ، و نام دشمن را بگوید وَ اغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا فِرْزَنْدِ فُلَانِي كَيْ دَشْمَنْ هَسْت، انتقام بگیر. خدایا! گناهان گذشته و

وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ

آینده مرا و پدر و مادرم و تمام مردان و زنان با ایمان را ببخش و بیامرزش.

وَ سَعَّ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَ اكْفِنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَ

خدایا! روزهای حلالت را بر من گسترده نما. خدایا! تو سختی‌ها و شدت‌های انسان‌های بد را و

جَارِ سَوْءٍ، وَ سُلْطَانِ سَوْءٍ وَ قَرِينِ سَوْءٍ، وَ يَوْمِ سَوْءٍ وَ

همسایه بد و پادشاه و همنشین بد و روز و ساعت بد را برای من کفایت نما

سَاعَةِ سَوْءٍ، وَ أَنْتَقِمَ لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي وَ مِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ،

خدایا! از کسانی که با من مکر و حيله می‌نمایند، و از افرادی که بر من ظلم می‌کنند،

وَ يُرِيدُ بِي وَ بِأَهْلِي وَ أَوْلَادِي، وَ أَخْوَانِي وَ جِيرَانِي وَ

برایم انتقام بگیر. خدایا! از کسانی که به من و اهل‌بیت و فرزندانم و برادران و همسایگانم

قَرَابَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا، إِنَّكَ عَلَى مَا

و خویشتانم از مردان و زنان با ایمان می‌خواهند، ظلم نمایند، انتقام بگیر. ای خدا! به درستی که

تَشَاءُ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ

تو قدرتمندی بر آن چه می‌خواهی و به هر چیزی دانایی، ای پروردگار جهان هستی، اجابت نما.

(۱۱۷)



بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

خدایا! به حق این دعا بر مردان و زنان باایمان فقیر، بی‌نیازی و

الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ، وَ عَلَى مَرْضَى، الْمُؤْمِنِينَ وَ

اموال بسیار بخشش نما و بر مردان و زنان با

الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ، وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

ایمان با شفا دادن و سلامتی نیکی کن. خدایا! بر مردان و زنان زنده

الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَامَةِ، وَ عَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

با ایمان با لطف و کرم خویش تفضل نما و بر مردان و زنان مرده با ایمان

الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَى مُسَافِرِي

با عفو و آمرزش و رحمت خود احسان و نیکی نما. خدایا! بر مردان و زنان با

الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ

ایمان سفر کرده، با برگرداندن به وطنشان در حال سلامت و بهره بردن از تجارت،

غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

خوبی نما. به حق رحمت خویش ای مهربانترین مهربانان! و ای بخشنده‌ترین بخشنده‌ها!

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عِنْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلَّمَ

و خداوند بر سرور ما محمد آخرین پیامبر و بر اهل بیت پاکش درود و سلام

(۱۱۸)



تَسْلِيمًا كَثِيرًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ

بسیار فرستاد. خدایا! به حرمت این دعا

وَ بِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ، وَ بِمَا يَسْتَمِلُ

و به آن چه از نام‌های الهی فوت شده و به آن

عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَ التَّنْذِيرِ، الَّذِي

چه از تفسیر و اندیشه فراگیر است، تشریح و تفسیر

لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ

که غیر از تو به آن‌ها آگاهی و احاطه ندارد،

تَفَعَّلَ بِي كَذَا وَ كَذَا،

حاجات و درخواست‌های ما را کرامت نما.

والسلام

احسان زاهری

قم - تیر سال ۱۳۸۱ هجری شمسی

(۱۱۹)

«فهرست منشورات الطَّيَّار»

- ۱- اوج ترقی انسان ۲۸۰۰۰ صفحه، قیمت ۵۵۰ ت، احسان زاهری
- ۲- جایگاه علماء در غیبت کبری ۹۶۰۰۰ صفحه، قیمت ۴۰۰ ت، احسان زاهری
- ۳- عزت و ذلت آفرینی‌های زبان ۹۶۰۰۰ صفحه، قیمت ۴۰۰ ت، احسان زاهری
- ۴- عروج و سقوط سخن ۹۶۰۰۰ صفحه، قیمت ۴۰۰ ت، احسان زاهری
- ۵- قرآن معجزه جاوید اسلام ۱۶۰۰۰ صفحه، قیمت ۶۵۰ ت، احسان زاهری
- ۶- اندیشه‌های حسینی ۲۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۸۵۰ ت، احسان زاهری
- ۷- اعتکاف، نجوای عاشقانه ۹۶۰۰۰ ص، ۴۰۰ ت، احسان زاهری
- ۸- نگاهی به آزادی از منظر امام خمینی ۹۶۰۰۰ ص، احسان زاهری
- ۹- چهل گل از بوستان علوی ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰، احسان زاهری
- ۱۰- چهل گل از گلستان نبوی ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰، احسان زاهری
- ۱۱- چهل گل از بوستان رضوی ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰، احسان زاهری
- ۱۲- چهل گل از بوستان حسینی ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰، احسان زاهری
- ۱۳- چهل گل از بوستان خاندان رسالت (منزلت حسین علیه السلام) ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰، احسان زاهری
- ۱۴- چهل گل از بوستان خاندان رسالت (خانواده علیه السلام) ۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۲۰۰،

احسان زاهری

۱۵- چهل گل از خاندان رسالت پیرامون نهضت خدمت‌رسانی ۶۴۰۰۰ ص، قیمت ۲۰۰ احسان زاهری

۱۶- نجوای عارفانه... منتخب ادعیه (جیبی)، ۲۵۶، ۶۸۰ ت، احسان زاهری

(۱۲۰)

- ۱۷- دعای کمیل ۶۴۰۰۰ ص، ۲۵۰ ت، احسان زاهری
- ۱۸- دعای ندبه ۶۴۰۰۰ ص، ۲۵۰ ت، احسان زاهری
- ۱۹- دعای توسل و سمات ۶۴۰۰۰ ص، ۲۵۰ ت، احسان زاهری
- ۲۰- زیارت عاشورا و عظمه ۶۴۰۰۰ ص، ۲۵۰ ت، احسان زاهری
- ۲۱- نجوای عشق... منتخب قرآن و ادعیه، ۲۵۶ صفحه، قیمت ۴۰۰ ت، احسان زاهری
- ۲۲- جمعه سبز انتظار ۲۰۸۰۰۰ صفحه، قیمت ۸۵۰ ت، جعفر رسول زاده (همراه نوار سبک)

۲۳- زمزمه عاشقانه ۹۶۰۰۰ صفحه، قیمت ۳۵۰ت، امیر عباس مهندس

۲۴- انوار حسینی: ۲۶۴۰۰۰ صفحه، قیمت ۱۲۰۰ و ۱۵۰۰ت، آیت‌الله‌سیدمصطفی ال‌اعتماد

۲۵- ریحانه‌یشت ۲۰۸۰۰۰ صفحه، قیمت ۸۰۰، جعفر رسول‌زاده و رضا عرب (همراهانوار سبک)

۲۶- کدام راه، کدام بهار، کدام قله ۴۸۰۰۰ صفحه، قیمت ۳۰۰ت، امیر عباس مهندس

۲۷- کربلادر کربلا ۲۷۲۰۰۰ صفحه، قیمت ۱۱۰ت، جعفر رسول‌زاده و رضا عرب (همراهانوار سبک)

۲۸- کربلادر کربلا ۲۴۰۰۰۰ صفحه، قیمت ۱۲۰ت، جعفر رسول‌زاده (همراهانوار سبک)

۲۹- آهنگ عز ۲۰۸۰۰۰ ص، ۸۵۰ تومان، جعفر رسول‌زاده

۳۰- عشق ناتمام ۰۰۰ مصائب امام حسین، ۲۵۶ ص، ۱۵۰۰ و ۱۲۸۰ تومان، فریدون بلوری

۳۱- نهضت خدمت‌رسانی به مردم ۸۰۰۰۰ صفحه، احسان زاہری

۳۲- همنوا یا نینوا ۰۰۰ آموزش فنون مداحی، ۳۳۶ ص، حاج زین‌العابدین غلام